

درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی

سیدامیرحسین طیبی ابوالحسنی^۱

چکیده

پیدایش و گسترش روش‌شناسی کیفی در جامعه علوم اجتماعی و انسانی ایران، در چند سال اخیر، موضوع مناقشات و مجادلات ضمنی نظری و روشی متعددی بوده است. توجه به روش‌های کیفی و گسترش روزافزون استفاده از آن در جامعه دانشگاهی کشور نه تنها مستلزم آشنایی با این روش‌شناسی و چگونگی طراحی و اجرای آن است، بلکه نیازمند آشنایی با رویه‌های تحلیلی این روش‌ها و استفاده از آن‌ها نیز هست. این رویه‌های استاندارد به ندرت به صورت مقاله کاربردی ارائه شده‌اند. هدف از نگارش این مقاله معرفی رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی و فنون مرتبط با آن به صورت خلاصه و کاربردی است. بدین منظور، به کمک روش پژوهش منابع کتابخانه‌ای، یازده روش جامع این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. این روش‌ها عبارت‌اند از تحلیل مردم‌نگارانه تماتیک، تحلیل نظریه زمینه‌ای، تحلیل روایتی، تحلیل پدیدارشناسی، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مکالمه، تحلیل نشانه‌شناختی، توصیف ضمیم، تحلیل موقعیتی، تحلیل گفتمان و تحلیل داده‌های مشاهده‌ای. در بخش پایانی مقاله نیز خلاصه‌ای کاربردی از شیوه کدگذاری در روش‌های کیفی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: روش کیفی، تحلیل، رویه، مدل، ارزیابی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

مقدمه

تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد که روش‌های کیفی در دهه‌های گذشته گسترش یافته و امروزه نیز بر محبوبیت آن‌ها افزوده شده است و در تمامی رشته‌های اجتماعی و مدیریت به کار می‌رود (Aspers and Corte, 2019). توجه روزافزون به روش‌های کیفی و گسترش استفاده از آن‌ها نه تنها مستلزم آشنایی با این روش‌شناسی و چگونگی طراحی و اجرای آن است، بلکه نیازمند آشنایی با رویه‌های تحلیلی این روش‌ها و استفاده از آن‌ها نیز هست.

تحلیل داده‌های کیفی همواره یکی از مسائل اساسی

توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های پژوهشی در جوامع دانش‌بنیان و توسعه یافته و در حال توسعه روندی دائمی و مستمر شده و تنوع در روش‌های پژوهشی نیازمند رویکرد جدیدی به روش‌ها و مدل‌های تحقیقاتی است (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰). استفاده از روش‌های کیفی در کنار روش‌های کمی و آمیخته، در جهت تسریع تحقق هدف‌های پژوهشی و ارائه تصویری کامل‌تر و درکی عمیق‌تر از پدیده‌های مورد مطالعه، جنبشی نوین در عرصه پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود و پژوهشگران می‌توانند از آن بهره گیرند (کمالی، ۱۳۹۶).

هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌رود. همچنین، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش‌های کیفی و به روش تحقیق کتابخانه‌ای است؛ ضمن اینکه به‌طور ویژه از منابع جامع و معتبر این حوزه همچون اوزالپمن (2018)، هابر و شاو (2017)، فایریند (2010)، دنزین و لینکلن (2000) و محمدپور (۱۳۹۲) نیز برای معرفی رویه‌ها بهره‌گیری شده است. در ادامه، پس از مروری بر ادبیات پژوهش، ابتدا به جایگاه تحقیقات کیفی اشاره می‌شود، سپس به مفاهیم و فنون و نکات مهم در تحلیل داده‌های کیفی پرداخته می‌شود. پس از آن، روش‌ها معرفی می‌شود و خلاصه‌ای کاربردی از شیوه کدگذاری در روش‌های کیفی ارائه می‌شود.

۱. ادبیات پژوهش

تحقیقات علمی - پژوهشی بر اساس هدف به سه دسته تقسیم می‌شوند: بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶). همچنین، بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیقات علمی را می‌توان به دو دسته آزمایشی و توصیفی (پیمایشی، همبستگی، اقدام‌پژوهی، مطالعه موردی، پس‌رویدادی) تقسیم کرد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۵). از طرف دیگر، تحقیقات علمی به لحاظ قطعیت داده‌ها مشتمل بر تحقیقات اکتشافی، فرضیه‌آزمایی و ترکیبی (آمیخته) است (خاکی، ۱۳۹۱). نحوه انجام پژوهش را می‌توان به طرق گوناگون طبقه‌بندی کرد. دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳)، بر اساس مدل ساندرز و همکاران (2009)، با اندکی تغییر، الگوی پیاز فرایند پژوهش را ارائه کرده‌اند (شکل ۱).

این الگو فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس این الگو، یک پژوهش از لایه‌های متعددی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متأثر از لایه بالاتر است. این لایه‌ها (از بیرون به درون) عبارت‌اند از ۱- مبانی فلسفی، ۲- جهت‌گیری‌ها، ۳- رویکردها، ۴- صبغه پژوهش، ۵- نوع پژوهش، ۶- راهبردها، ۷- هدف‌های اصلی، ۸- شیوه‌های گردآوری داده‌ها.

صرف‌نظر از پرداختن به جزئیات الگوی مزبور، گفتنی است که رهیافت‌های استقرا و قیاس، در شکل ناب خود، هر دو به حرکت خطی و یک‌سویه قائل‌اند. منطق استقرایی از جزء به کل و از داده‌های تجربی به سمت نظریه حرکت می‌کند و منطق قیاسی، به عکس، از کل به جزء و از نظریه به سمت تجربه و مشاهده. منطق استقرا بر این اصل استوار است که می‌توان، با مشاهده و تفکر دقیق پیرامون الگوهای تکرارشونده آن، به کشف قواعد حاکم بر عرصه‌ای خاص نائل آمد (تبریزی، ۱۳۹۳).

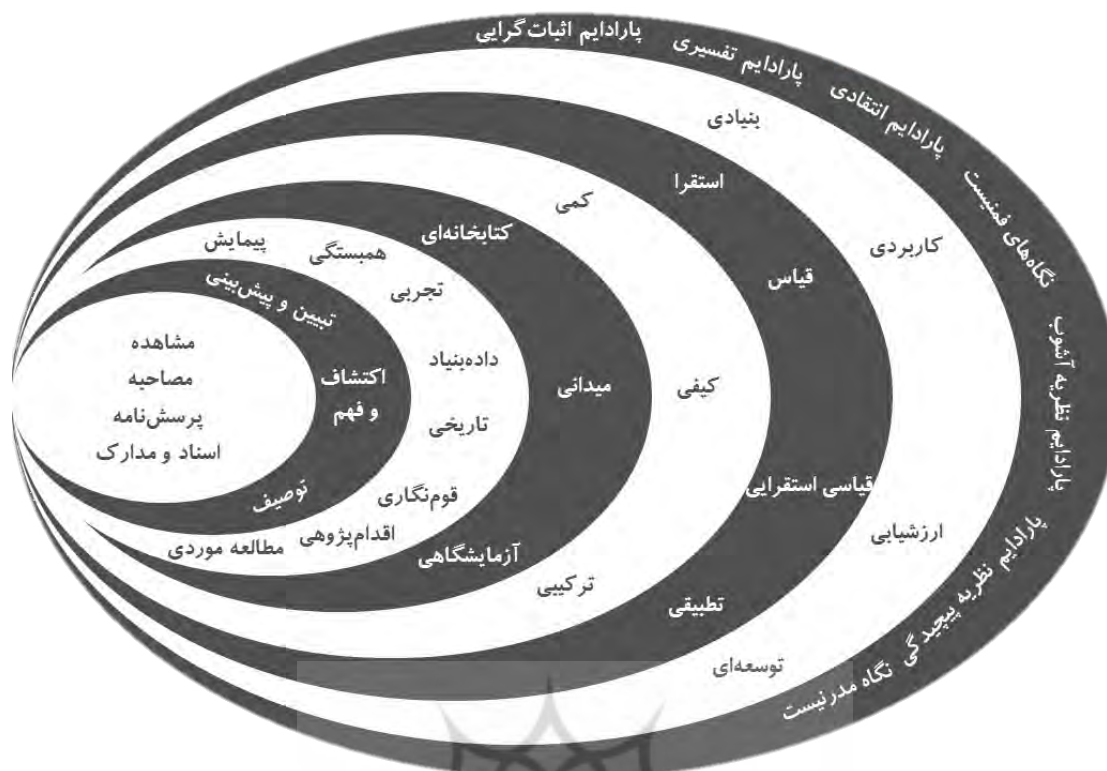
با توجه به اینکه روش‌شناسی شناخت روشی است که محقق برای رسیدن به هدف تحقیق خود به‌کار می‌گیرد (اعرابی و دهقان، ۱۳۹۰)، درخصوص انواع روش‌های تحقیق در بین صاحب‌نظران این حوزه اجماع نظر کلی وجود ندارد. بنابراین

روش‌شناسان و محققان کیفی و نیز دانشجویانی است که در این سنت روش‌شناختی کار می‌کنند. پیدایش و گسترش روش‌شناسی کیفی در جامعه علوم اجتماعی و انسانی ایران در چند سال اخیر موضوع مناقشات و مجادلات ضمنی نظری و روشی متعددی بوده است. هرچند وجود رشته انسان‌شناسی، که از دیرباز با روش کیفی در قالب مردم‌نگاری و کار میدانی پیوند دارد، و علاقه به کاربرد برخی روش‌های تحقیق کیفی چون تحلیل گفتمان و مطالعات موردی کیفی نشان‌دهنده آن است که این روش‌شناسی اقبال و گسترش نسبی یافته است (محمدپور، ۱۳۹۲). برخلاف ابعاد گوناگون روش‌شناسی کیفی از قبیل طرح تحقیق کیفی، روش‌های گردآوری داده‌ها و نظایر آن، هنوز رویه‌های تحلیلی انواع داده‌های کیفی، واحدهای تحلیل و چگونگی درک این داده‌ها، برای دستیابی به آنچه رویکرد تفسیرگرایی توصیف عمیق می‌خواند، چندان واضح و مشخص نیست.

محققانی که به روش کیفی علاقه‌مندند، عموماً با انبوهی از داده‌های میدانی - متنی گردآوری‌شده روبه‌رو می‌شوند که درک و فهم دقیق اطلاعات از آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. بسیاری از این داده‌ها، به‌طور سنتی و بر اساس پرسش‌های عمده تحقیق، در قالب رویه‌های کلاسیک تحلیل کیفی، یعنی استفاده از نقل‌قول، الصاق تصاویر درون متن و ارجاعات کلی به داده‌ها به‌کار می‌روند. در این میان، بسیاری از داده‌ها نامناسب و بی‌مصرف و اضافی به نظر می‌رسند، درحالی‌که عملاً چنین نیست. برخی داده‌ها ممکن است به شیوه‌های دیگری از نظر معنایی یا شکلی در بخش‌های مختلف گزارش تحقیق تکرار شوند (بحیرایی و همکاران، ۱۳۹۵). مهم‌تر اینکه بحث و نتیجه‌گیری در چنین گزارش‌های تحقیقی، به علت گستردگی و بی‌نظمی و فقدان ساخت تحلیلی، بسیار دشوار است (محمدپور، ۱۳۸۸).

عموماً این‌گونه به نظر می‌رسد که روش تحقیق کیفی رویه یا رویه‌های استاندارد مشخصی برای تحلیل داده‌ها ندارد. بنابراین ممکن است اکثر گزارش‌های تحقیقی کسالت‌آور، دارای بحث‌های بدیهی، توصیفی و داستان‌گونه به نظر برسند. حال آنکه وجود گستره وسیعی از رویه‌های تحلیلی که در چند دهه اخیر در جهان توسعه و گسترش یافته این ادعا را رد می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲). شایان ذکر است که اگرچه این رویه‌های استاندارد در کشور ما، به‌ویژه در رشته مدیریت، کمتر تبلور یافته، در ادبیات بین‌المللی و حوزه‌های علوم اجتماعی (همچون جامعه‌شناسی) و بعضاً حوزه علوم پزشکی به رویه استاندارد در میان نخبگان تبدیل شده است (Hoerber and Shaw, 2017; Cristancho et al., 2018).

بر همین اساس، برای آشنایی بیشتر محققان کشور، در مقاله پیش رو مدل‌ها و رویه‌های معتبر بین‌المللی پیرامون تحلیل داده‌های کیفی معرفی و بررسی می‌شود. این تحقیق، از نظر



شکل ۱: الگوی پیاپی فرایند پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۳)

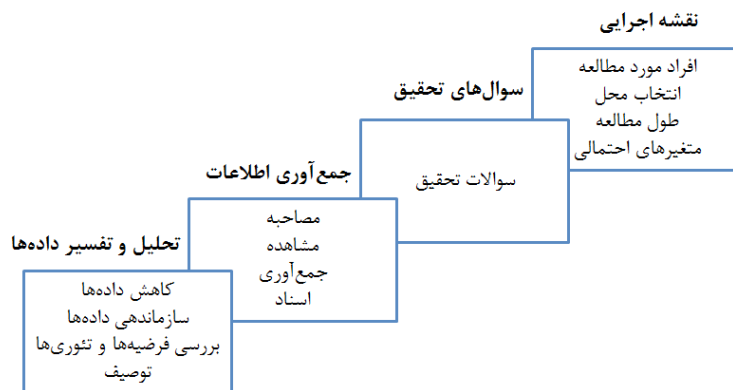
به‌دست نیامده باشد (Corbin and Staruss, 2007). داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعاملات شفاهی گردآوری می‌شود و متمرکز بر معانی و تفاسیر ارائه‌شده مشارکت‌کنندگان در آن است. در این نوع تحقیق، اطلاعات با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر متنی و اجتماعی به‌دست می‌آید. روش تحقیق کیفی، برخلاف عنوان آن، روشی واحد و منسجم نیست. بر همین اساس، تعاریف متعددی از این روش ارائه شده است. در اینجا یکی از جامع‌ترین تعاریف موجود از روش کیفی بیان می‌شود (محمداپور، ۱۳۸۸):

تحقیق کیفی، در نقطه تمرکز خود، چندروشی و متضمن رهیافت تفسیری - طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. بدین معنی که پژوهشگران کیفی اشیا را در محیط‌های طبیعی خود مطالعه می‌کنند و می‌کوشند پدیده‌ها را برحسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌بخشند معنا و تفسیر کنند. تحقیق کیفی مستلزم گردآوری و به‌کارگیری طیفی از مواد تجربی (مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، داستان زندگی، مصاحبه، متون مشاهده‌ای، تاریخی و تصویری) است که لحظات و معانی عادی و چالش‌برانگیز در زندگی افراد را تشریح می‌کند. از این‌رو، نقطه تمرکز تحلیل داده‌های کیفی را می‌توان با ارجاع به تعریف فوق و نیز توجه به ابعاد پارادایمی تفسیرگرایی درک کرد. براین اساس، هدف تحلیل داده‌های کیفی درک جهان طبیعی کنشگران، رویدادها و پدیده‌های اجتماعی است، همان‌طور که در محیط

نحوه انجام پژوهش را می‌توان به طرق مختلف طبقه‌بندی کرد. یکی از این دسته‌بندی‌های متداول تقسیم نحوه انجام پژوهش به کمی، کیفی و آمیخته است (خاکی، ۱۳۹۱). به‌طورکلی، برای انجام تحقیقات از دید صبغه پژوهش، سه نگرش کمی، کیفی و آمیخته وجود دارد که در ادامه، با توجه به هدف پژوهش، فقط به روش کیفی اشاره می‌شود.

تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی است که هرکدام به‌نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول درباره موضوع موردتحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب از اطلاعات جمع‌آوری‌شده، عمدتاً از نوع کلامی و متن، توصیف‌های تحلیلی و ادراکی و طبقه‌بندی‌شده به‌دست می‌آید (دلاور، ۱۳۸۵). به‌عبارت دیگر، در پژوهش‌های کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی از داده‌های کیفی نظیر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهده مستقیم، پرسش‌نامه و ... استفاده می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۳). در پژوهش‌هایی که مسئله اصلی آن‌ها چندبعدی است و موضوع مطالعه ماهیتی پویا دارد، نگرش کیفی بسیار مناسب‌تر است (Denzin and Lincoln, 2000). اجزای طرح تحقیق در پژوهش‌های کیفی در شکل ۲ ارائه شده است.

تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با هدف کمی‌سازی



شکل ۲: اجزای طرح تحقیق در تحقیقات کیفی (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳)

گسترده‌تر عمومیت نمی‌یابند.

۲. گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها بیش از اندازه زمان بر است.
۳. گمنامی و جلب اعتماد هنگام گزینش یافته‌ها ممکن است مسائلی را به وجود آورد.

۴. حضور محقق تأثیر عمیقی بر موضوعات مورد مطالعه می‌گذارد.

شایان ذکر است تا پایان دهه ۱۹۶۰ نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشرشده در مجلات جامعه‌شناسی آمریکا مبتنی بر تحقیق کمی و آماری بود. گرچه در بریتانیا آمارهای قابل مقایسه‌ای در دست نیست، گمان می‌رود تا اواخر دهه ۱۹۶۰ تحقیق آماری در این کشور نیز رواج داشته است. اما امروزه قضیه تفاوت یافته و به علت انتقادهای نظری از اثبات‌گرایی^۱، که گرایش به شیوه‌های آماری و کمی دارد، روش‌های کیفی جایگاهی کانونی در آموزش و تحقیق اجتماعی به دست آورده است (Silverman, 2005). تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد که روش‌های کیفی در دهه‌های گذشته گسترش داشته و در میان رشته‌هایی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی اجتماعی، بهداشت و پرستاری، آموزش و پرورش، مطالعات فرهنگی، جغرافیای انسانی، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات گفتمان بیشتر کاربرد داشته است (Dickson-Swift et al., 2007). گفتنی است امروزه بر محبوبیت روش‌های کیفی افزوده شده و در تمامی رشته‌های اجتماعی و مدیریت نیز به کار می‌رود (Aspers and Corte, 2019).

البته این روش نیز، همچون دیگر روش‌ها، چالش‌هایی دارد (Crow, 2012). چگونگی تأثیر پژوهشگر و شیوه تحلیل او در تحقیقات کیفی پیرامون موضوعات اخلاقی و سیاسی، مسائل مربوط به توسعه ارتباط، خودافشگری پژوهشگر، مغفول ماندن داستان‌های ناگفته، خستگی پژوهشگر و همچنین چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات در روش‌شناسی‌های این شیوه از

طبیعی اتفاق می‌افتند. بنابراین هدف این نوع تحلیل استخراج و استنباط معانی، ذهنیت‌ها و میان‌ذهنیت‌ها، نظام معنایی مشترک و لایه‌های زیرین ادراک است. میدان‌های معنایی مورد بررسی در تحقیق کیفی ممکن است از یک میدان طبیعی (برای مثال، روستا، سازمان و...) تا یک متن یا قطعه روایت را دربر گیرند.

در پژوهش‌های کیفی می‌توان از طرح‌های مختلفی همچون مطالعه موردی^۱، طرح‌های روایتی^۲، نظریه داده‌بنیاد^۳، روش تاریخی^۴، قوم‌نگاری^۵، پدیدارشناسی^۶، تحقیق در عمل یا اقدام‌پژوهی^۷ و تحلیل محتوا^۸ نام برد (Cristancho et al., 2018). روش‌های کیفی، همچون دیگر روش‌ها، نقاط قوت و ضعفی دارند که به شرح زیر است (ازکیا، ۱۳۸۲):

- نقاط قوت:

۱. محقق، به علت مداخله و حضور مستقیم خود، به نگرش افراد درباره مسئله دست می‌یابد؛ ازین رو امکان یافتن مسائل گمشده برایش فراهم می‌شود.
۲. توصیفات کیفی نقش مهمی را در امکان پیش‌بینی روابط، علت‌ها، تأثیرات و فرایندهای پویا ایفا می‌کنند.
۳. محقق کیفی با تمام وجود درگیر تحلیل اجتماعی می‌شود.

- نقاط ضعف:

۱. جایگاه‌ها، رخدادها، شرایط و تعاملات همواره تکرار نمی‌شوند و با همان اطمینانی که در یک پژوهش وجود دارند در سطح

1. Case study
2. Narrative
3. Grounded theory
4. Historical method
5. Ethnography
6. Phenomenology
7. Action research
8. Discourse analysis

۲. مبانی و اصول پارادایمی روش تحقیق کیفی

دانشمندان علوم اجتماعی، به‌منظور تولید دانش دربارهٔ جهان اجتماعی، به مکاتب فلسفی و پارادایم‌های متفاوتی توجه می‌کنند. هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سه جنبه از پژوهش و فهم‌اند که اهمیت خاصی دارند و به هم وابسته‌اند. در ادبیات پژوهش، جداسازی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی از لحاظ مفهومی با مسائل خاصی روبه‌رو است. همهٔ این مسائل بر نیاز به شفاف‌سازی روش‌ها، روش‌شناسی‌ها، معرفت‌شناسی‌ها و هستی‌شناسی‌ها تأکید می‌کنند (Carter and Little, 2007).

چالش‌های این روش است (Dickson-Swift et al., 2007)؛ ضمن اینکه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فراروی پژوهشگران کیفی چگونگی اطمینان از کیفیت و مورداستناد بودن پژوهش است (Dix-on-Woods, 2007). هم‌اکنون توجه به کیفیت در تحقیقات کیفی مسئله‌ای جهانی است و یکی از علل اهمیت توجه به این مسئله فشار پژوهشگران کمی‌نگر دربارهٔ معتبر نبودن پژوهش‌های کیفی است (اکبری، ۱۳۹۷). البته پژوهشگران نظرهای متنوعی را پیرامون این موضوع مطرح کرده و روش‌هایی را برای سنجش کیفیت و اعتبار آن ارائه کرده‌اند (Aspers and Corte, 2019).

جدول ۱: مشخصه‌های پارادایمی و نحله‌های نظری روش تحقیق کیفی (Newman, 2007؛ محمدپور، ۱۳۸۸)

موضوع پارادایمی	عناصر پارادایمی	شرح
موضوع هستی‌شناختی	ماهیت واقعیت اجتماعی	واقعیت اجتماعی تعاریف سیال از واقعیتی مشخص است که در خلال تعاملات انسانی و اجتماعی ساخته می‌شوند. واقعیت اجتماعی حاصل توافقات نمادین - کنشی و معنایی است.
	ماهیت انسان	انسان موجودی اجتماعی است که معنا را می‌آفریند و پیوسته به جهانش معنا می‌بخشد؛ انسان خلاق به واقعیات سیال معنا می‌بخشد.
	عاملیت انسان	انسان دارای ارادهٔ قدرتمند و آزادی انتخاب است: اصالت انسان.
موضوع معرفت‌شناختی	جهت‌گیری معرفتی	جهت‌گیری عملی/ دانش به ما کمک می‌کند که به‌طور تجربی و عینی جهان زندگی و تجارب خود را بسازیم، جهان‌های دیگران را بپذیریم و در آن‌ها سهم شویم.
	نقش شعور متعارف	شعور متعارف نظریات روزمرهٔ قدرتمندی هستند که مردم عادی از آن بهره می‌برند. شعور متعارف بنیان‌های دانش علمی را فراهم می‌سازد: تأویل مضاعف/تفسیر تفسیرها.
	جایگاه ارزش‌ها	ارزش‌ها ذاتی و بخش جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی‌اند، ارزش‌های هیچ گروهی اشتباه نیست، بلکه متفاوت است. ارزش‌های اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیر تحقیق‌اند.
	دلایل پژوهش	تفهمیم، درک و تشریح کنش اجتماعی معنادار
موضوع روش‌شناختی	مکان‌یابی شواهد	شواهد و مدارک کیفی در بستر تعاملات اجتماعی سیال و ظاهراً عادی جا یافته‌اند.
	کیفیت و برازش تبیین	تبیین باید مستدل باشد. به‌عبارت‌دیگر، از نظر کسانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند درست به نظر برسد: اعتبار پاسخ‌گو؛ قابلیت اعتماد
	نوع روش مورداستفاده	روش‌های کیفی / مردم‌نگاری / نظریهٔ زمینه‌ای / روایتی / گفتمانی / میدانی / پدیدارشناسی / تحلیل محتوای کیفی و...
نحله‌ها		صاحب‌نظران
تأویل‌گرایی کلاسیک		شلایرماخر، دیلتای
پدیدارشناسی		برنتانو، هوسرل، مرلو-پونتی، هایدگر
جامعه‌شناسی تفسیری		وبر، شوترز، گیدنز، گیرتز
زبان‌شناسی		وینچ، وینگشتاین، داگلاس
کنش متقابل نمادین‌گرایی		مید، کولی، بلومر
نظریهٔ نقش		گافمن
تأویل‌گرایی مدرن		گادامر، ریکور
برساخت‌گرایی		برگر، لاکمن، گلیزر، آنزلم استراوس، هوشیلد

از نظر جامعه‌شناختی مبتنی بر اندیشه‌های وبر، شوتر، مید، بلومر، برگر و لاکمن است. بر همین اساس، این پارادایم از مکاتبی چون پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، تأویل‌گرایی کلاسیک و مدرن، زبان‌شناسی اجتماعی و سایر دیدگاه‌های خردنگر جامعه‌شناسی نشئت گرفته است. به‌علاوه، حوزه انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر کار میدانی، مردم‌نگاری و درک نظام معنایی و ذهنی فرهنگ‌ها از طریق غوطه‌وری، اتخاذ رهیافت امیک (نگاه از درون) و مشاهده مشارکتی سهم عمده‌ای در پیدایش و گسترش این پارادایم داشته است. پارادایم تفسیری در خلال چند دهه اخیر، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، اهمیت چشمگیری یافته و با به‌کارگیری روش‌شناسی کیفی سهم عمده‌ای در تولید معرفت معاصر داشته است (Blaikie, 2007).

ضمن اینکه تحقیق کیفی همچون چتری روش‌های تحقیق متعددی را دربر می‌گیرد. هریک از روش‌شناسان و محققان برخی از روش‌های تحقیقی را در زیر این چتر قرار داده‌اند. هرچند به استناد تحقیقات حوزه علوم اجتماعی روش‌های معرفی‌شده دنزین و لینکلن برجسته‌تر است (Cristancho et al, 2018)، به انواع روش‌های تحقیق کیفی همراه با مطرح‌کننده هریک در جدول ۲ اشاره شده است.

۳. فنون و نکات مهم تحلیل داده‌های کیفی

قبل از معرفی روش‌های تحلیل اشاره‌شده در تحقیقات کیفی، ابتدا لازم است فنون و نکات عمومی مربوط به این نوع تحلیل‌ها را دانست. داده‌های کیفی تفاوت‌های اساسی با داده‌های کمی دارند، بنابراین باید آن‌ها را با روش‌های تحلیلی خاص روش‌شناسی کیفی تحلیل کرد. به‌طورکلی، تحلیل داده‌های

پژوهشگران نشان می‌دهند که روش‌شناسی و روش به‌هیچ‌وجه جدا از موقعیت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی انتخاب نمی‌شوند. در واقع، موقعیت‌های متفاوت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی روش‌شناسی و روش‌های متفاوتی را تولید می‌کنند که نهایتاً به تولید دانش درباره جهان اجتماعی می‌انجامد (صادقی فسائی و ناصری‌راد، ۱۳۹۱).

در این میان، پژوهشگران کیفی بر نوعی تفسیر کل‌نگر تأکید می‌کنند. آنان واقعیت‌ها و ارزش‌ها را به‌صورتی تفکیک‌ناپذیر و آمیخته با یکدیگر در نظر می‌گیرند. از طرف دیگر، پژوهشگران کمی، به‌جای توجه به تفسیرهای کل‌نگر، بر عوامل و متغیرهای فردی تأکید می‌کنند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهشگر کمی بر این باور است که واقعیت را می‌توان به مؤلفه‌هایش تقسیم کرد و با نگاه به این اجزا شناختی از کل به‌دست‌آورد؛ ولی پژوهشگر کیفی، بر اساس این باور که واقعیت کلیتی تقسیم‌ناپذیر است، به بررسی کل فرایند می‌پردازد (Martínez-Salgado, 2012). در جدول ۱، عمده مشخصه‌های پارادایمی و نحله‌های نظری مرتبط با روش تحقیق کیفی به‌طور خلاصه ارائه شده است.

تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر چارچوب نظری تفسیرگرایی - بر ساخت‌گرایی اجتماعی است، اما در خلال چند دهه اخیر از سوی سایر پارادایم‌های غیراثباتی از جمله پارادایم‌های انتقادی، فمینیستی، و پسانوگرایی و حتی پسااثبات‌گرایی نیز به‌کار گرفته شده است (Brown, 2010). مواضع پارادایم تفسیری همه مراحل تحقیق کیفی از طرح مسئله تا تحلیل داده‌های کیفی را جهت می‌دهد (Newman, 2006). پارادایم تفسیری از نظر خاستگاه فلسفی ریشه در نظریات کانت، دیلتای و هوسرل و

جدول ۲: عمده‌ترین روش‌های تحقیق کیفی (Feyerabend, 2010; Hoerber and Shaw, 2017)

رشته / حوزه استفاده‌کننده	نویسنده	روش‌های کیفی
پرستاری	Michelle and Euler (1986)	پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری، تحقیق تاریخی
علوم تربیتی	Ansi (1993)	رویکردهای انسان‌شناختی، رویکردهای جامعه‌شناختی، مطالعات موردی، گزارش‌های شخصی، مطالعات شناختی، بررسی‌های تاریخی
جامعه‌شناسی	Corbin and Staruss (1990)	نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، تواریخ
روان‌شناسی	Moustakas (1994)	مردم‌نگاری، نظریه زمینه‌ای، تأویل، تحقیق پدیدارشناسی تجربی، تحقیق پدیدارشناسی متعالی
علوم اجتماعی	Denzin and Lincoln (1994)	مطالعات موردی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، روش تفسیری، نظریه زمینه‌ای، بیوگرافی، تاریخی، تحقیق کلینیکی
علوم اجتماعی معاصر، (انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی)	Denzin and Lincoln (2005); Punch (2004); Newman (2007)	مطالعات موردی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، روش تفسیری، نظریه زمینه‌ای، بیوگرافی، اتوبیوگرافی، تاریخی تطبیقی، تاریخچه‌های زندگی، روش اسنادی، تحلیل محتوا، تحلیل مکالمه، تاریخ شفاهی، روش روایتی، روش گفتمانی، روش گفتمان انتقادی

جدول ۳: انواع داده‌های کیفی (محمدمپور، ۱۳۹۲)

داده‌های اصلی	موارد
مشاهده‌ای	مشاهده‌های مستقیم، آزاد یا مشارکتی و یادداشت‌برداری از آن‌ها
مصاحبه‌ای	متون مصاحبه‌ای ضبط‌شده یا یادداشت‌برداری شده از طریق مکالمه با مطلعان یا اجرای گروه کانونی
اسناد و مدارک	تاریخچه‌های زندگی، خاطره‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، نامه‌ها، داستان‌ها و روایات منقول، اسناد و مدارک اداری، گزارش‌های علمی پژوهشی
مواد ضبطی و تصویری	تصاویر، فیلم‌ها، پیام‌ها، داده‌های دیجیتالی و الکترونیک، کروکی‌ها و...

با توجه به اینکه روش‌های تحقیق کیفی راهبردهای متنوعی را برای بررسی تجربیات، شیوه‌ها و پدیده‌ها در دنیای پیرامون آدمی فراهم می‌آورد، برای تحلیل داده‌های کیفی نیز روش‌های متعددی ارائه شده است. به عبارت دیگر، از آنجاکه تحقیق کیفی به مطالعه پیچیدگی‌ها و معانی و ابعاد گسترده زندگی اجتماعی می‌پردازد، روش‌های متعدد و متفاوتی برای تحلیل داده‌های کیفی پیشنهاد شده است (Moen and Anne-Lise, 2015). تنوع و گوناگونی روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به این معناست که سؤالات متفاوتی وجود دارد که باید پرسیده شوند و نسخه‌های متفاوتی از واقعیت وجود دارد که می‌توان آن‌ها را تشریح و واکاوی کرد. این روش‌ها گاهی به هم مرتبط، گاهی متداخل و گاه متناقض و ناسازگار به نظر می‌رسند (Punch, 2004).

با وجود رهیافت‌های گوناگون تحلیلی و نیز اصول متفاوت آن‌ها در زمینه مراحل و رویه‌های تحلیلی، مراحل مشترک و متداولی در بین رویکردهای تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد: ۱. تعیین و تعریف نوع رهیافت تحلیلی، ۲. طبقه‌بندی داده‌ها و ارتباط‌دادن مقولات متفاوت داده‌ای و ۳. ارائه نتایج (Shank, 2006). چرخه تفسیر داده‌های کیفی در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳: چرخه تفسیر داده‌های کیفی (محمدمپور، ۱۳۹۲)

کیفی از چهار جهت با تحلیل داده‌های کمی متفاوت است (محمدمپور، ۱۳۸۸):

۱. محقق کمی مجموعه‌ای مشخص و استاندارد از روش‌های تحلیلی را انتخاب می‌کند. فرضیه‌آزمایی و روش‌های آماری در پروژه تحقیق اجتماعی یا در علوم اجتماعی تفاوت‌های اندکی با علوم طبیعی دارد. تحلیل کمی عمدتاً مبتنی بر ریاضیات کاربردی است، درحالی‌که تحلیل کیفی چندان استاندارد نیست و بیشتر خلاقانه است.

۲. محققان کمی تا زمانی که همه داده‌ها گردآوری و به عدد تبدیل نشوند تحلیل داده‌ها را شروع نمی‌کنند. از این رو آن‌ها اعداد را دست‌کاری می‌کنند تا الگوها و روابط را دریابند. درحالی‌که محققان کیفی در حین گردآوری داده‌ها می‌توانند آن‌ها را تحلیل کنند؛ برای آن‌ها نتایج تحلیل‌های اولیه داده‌ها گردآوری داده‌های بعدی را به دنبال دارد.

۳. تفاوت سوم درباره نظریه اجتماعی است. محققان کمی نظریه‌هایی را می‌آزمایند که به نظرشان بیانگر واقعیات تجربی برای آزمون یک فرضیه انتزاعی با سازه‌های متغیر باشد. در مقابل، محققان کیفی نظریه و مفاهیم جدید را با ترکیب شواهد تجربی و مفاهیم انتزاعی می‌سازند. در واقع آن‌ها، به جای نظریه‌آزمایی، نظریه‌سازی می‌کنند.

۴. تفاوت دیگر درجه یا فاصله از جزئیات زندگی اجتماعی است. محقق کیفی، در کل فرایند تحلیل داده‌ها، داده‌های خام را در قالب مقولاتی معنایی قرار می‌دهد که به شناسایی و آشکارسازی الگوها کمک کند، حال آنکه محقق کمی این فرایند را با آمار انجام می‌دهد.

براین اساس، تحلیل داده‌های کیفی عبارت از جست‌وجوی الگوها در داده‌ها است (Newman, 2007). در این نوع تحلیل، نظریه توصیفی از الگوهاست که می‌توان آن‌ها را در داده‌ها یافت. داده‌های کیفی در طیف وسیعی دسته‌بندی می‌شوند که هر دسته از آن‌ها مستلزم به‌کارگیری روش یا روش‌های تحلیلی خاصی است. در جدول ۳، انواع داده‌های کیفی ارائه شده که در چهار نوع مشاهده‌ای، مصاحبه‌ای، اسناد و مدارک، و مواد ضبطی و تصویری دسته‌بندی شده‌اند.

۱. تحلیل مردم‌نگارانه تماتیک یا موضوعی

۲. تحلیل نظریه زمینه‌ای

۳. تحلیل روایتی

۴. تحلیل پدیدارشناسی

۵. تحلیل محتوای کیفی

۶. تحلیل مکالمه

۷. تحلیل نشانه‌شناختی

۸. توصیف ضخیم

۹. تحلیل موقعیتی

۱۰. تحلیل گفت‌وگو

۱۱. تحلیل داده‌های مشاهده‌ای

شکل ۴: شیوه‌های عمده تحلیل داده‌های کیفی (Feyerabend, Wiles et al., 2011; 2010؛ محمدپور، ۱۳۹۲)

نشست می‌گیرند (Gabrium, 1998). داده‌های موردتحلیل در روش تماتیک دربردارنده داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده‌اند.

در تحلیل تماتیک، معمولاً یک سری مراحل متعارف دنبال می‌شود. با این حال، تفاوت‌های جزئی و گاه مهمی در بین انواع تحلیل تماتیک وجود دارد.

دپوی و گیتلین (2005) نسخه‌ای طبیعت‌گرا از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند. این نوع رهیافت، که خاص مطالعات میدانی است، دو مرحله دارد. مرحله نخست شامل چهار زیرمرحله است که ممکن است به‌طور هم‌زمان نیز صورت گیرند: ۱. درگیری هم‌زمان در تفکر قیاسی - استقرایی؛ در این مرحله محقق بر پیوستار امیک (نگاه از درون میدان - متن) و اتیک (نگاه از بیرون میدان - متن) حرکت می‌کند. ۲. ساخت و تدوین مقولات که از طریق فرایند کدبندی متعارف صورت می‌گیرد. در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقولات اساسی (کدبندی متمرکز) کدبندی می‌شود. ۳. گروه‌بندی مقولات در سطوح بالاتر انتزاع؛ مقولات را می‌توان مجدداً بر اساس منطق مقایسه معنایی به سطوح بالاتری از انتزاع ارتقا داد. ۴. کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله دوم درحقیقت آماده‌کردن گزارش تحقیق است.

ولکات (2005؛ 2008) نیز در شیوه‌ای دیگر طرح تماتیک

از ابزار مورداستفاده در تحلیل کیفی می‌توان به نرم‌افزارهای روش تحقیق کیفی اشاره کرد. یکی از رویه‌های جدید در تحلیل کیفی به‌کارگیری نرم‌افزارهای کامپیوتری همچون مکس کیودی‌ای^۱، ان‌ویو^۲ و اطلس‌تی^۳ در تحلیل داده‌های کیفی است (یمانی و همکاران، ۱۳۸۶) که ممکن است در آینده هم به قابلیت‌های نرم‌افزارها افزوده شود و هم کاربرد آن‌ها فراگیرتر شود.

۴. یازده روش تحلیل داده‌های کیفی

مدل‌ها و رویه‌های تحلیلی موردبحث در این مقاله در شکل ۴ ارائه شده است.

۴-۱. تحلیل مردم‌نگارانه تماتیک یا موضوعی^۴

داده در این تحلیل به‌مثابه امری موضوعی است. در بین شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل موضوعی یا مضمون یا تماتیک (در قالب طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی داده‌ها) از اهمیت زیادی برخوردار است. این نوع تحلیل یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه در روش مردم‌نگاری است که البته در سایر رهیافت‌های تحلیل کیفی نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته و تقریباً پایه تحلیل اکثر روش‌های کیفی نیز هست (Hanson et al, 2011). لذا با توجه به اهمیت این موضوع و با عنایت به این نکته که در کتب و مقالات فارسی به شیوه‌های تحلیل تماتیک کمتر از سایر روش‌های کیفی پرداخته شده و این شیوه چندان شناخته‌شده نیست، در این بخش مفصل‌تر به آن اشاره می‌شود.

در میان پژوهش‌های مرتبط با این نوع تحلیل در ایران، می‌توان به بررسی ایمان و محمدپور (۱۳۸۳) با عنوان «فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران: مطالعه موردی شهرستان سردشت»، تحقیق قلی‌پور (۱۳۸۶) در زمینه «بررسی صحت و سقم کلیشه‌های منفی زنان در سازمان‌ها» و همچنین مطالعه راودراد (۱۳۸۶) درباره «سینمای دینی ایران: مقایسه فیلم‌های کویر و قدمگاه» اشاره کرد.

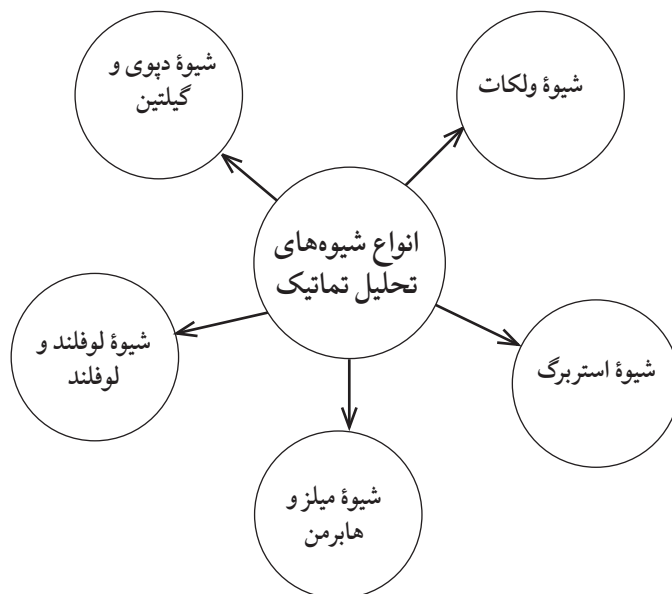
تحلیل تماتیک مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و بیرون داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در تعریفی دیگر، تحلیل تماتیک کدگذاری و تحلیل داده‌هاست، با هدف درک اینکه داده‌ها چه اطلاعاتی می‌دهند. این نوع تحلیل، در وهله اول، به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به‌دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها

1. MAXQDA

2. NVIVO

3. ATLAS.ti

4. Ethnographic Thematic Analysis



شکل ۵: انواع شیوه‌های تحلیل تماتیک (Feyerabend, 2010)

به تبعیت از منطق تحلیل تماتیک، فرایند خلاصه‌نویسی باید در تمام مراحل کدگذاری دنبال شود. این خلاصه‌نویسی به قول گلیزر (۱۹۷۸) ممکن است یک جمله یا یک پاراگراف یا چند صفحه باشد.

مرحله دوم، سطح نمایش داده‌ها: هدف این مرحله از تحلیل جست‌وجوی متغیرها و ارتباط بین آن‌هاست.

دو نوع نمایش داده درون‌موردی و بین‌موردی از یکدیگر قابل تمایز است:

۱. نمایش درون‌موردی: هدف از نمایش درون‌موردی سازمان‌دهی به نظم یافته‌شده در یک مورد معین یا نظم درونی است. محقق درصدد یافتن نظم یا آن دسته از متغیرهایی است که به داده‌ها نظم می‌بخشند. این کار، به قول میلز و هابرمین، در دو گام صورت می‌گیرد: گام اولیه نمایش داده‌ها با کاوش و تشریح داده‌ها ارتباط دارد. در این گام، سازمان‌دهی داده‌ها و شروع خلق آنچه متن تحلیلی خوانده می‌شود صورت می‌گیرد. گام دوم فرارفتن از مرحله کاوش و توصیف است. در این گام، نظم‌بخشی و پیش‌بینی آغاز می‌شود. مدل‌سازی علی و شبکه‌های علی مهم‌ترین بخش این فرایند است (Shank, 2006).

۲. نمایش بین‌موردی: این نوع نمایش به محقق کمک می‌کند که به ویژگی‌های تاریخی و زمانی مشخصی وارد شود. در این مرحله، داده‌های برگرفته از هریک از موارد معین با یکدیگر جمع می‌شود و برای تمرکز بر نظم‌بخشی به کار می‌رود. در اینجا نیز مجدداً یک‌سری نمایش‌های اکتشافی و توصیفی و سپس نمایش‌های تبیینی و پیش‌بینی‌کننده ارائه می‌شود.

ساده‌ای را ارائه داده است. وی فرایند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر می‌داند. در مرحله توصیف، داده‌ها در نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور ممکن است بر اساس نظر محقق یا فرد مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازمان‌دهی و تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند. این مرحله از تحلیل را بعد کمی تحقیق کیفی می‌نامند. در مرحله تفسیر، تفاسیر اصلی صورت می‌گیرد. این تفسیر عمدتاً با رویکرد مقایسه‌ای انجام می‌شود.

در شیوه استربرگ (2002) طرح تحلیل تماتیک نسبتاً مفصل‌تری ارائه شده است. در این طرح، به پنج مرحله اشاره می‌شود که در شکل ۶ ارائه شده است. میلز و هابرمین (1994) نسخه دیگری از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند که به زبان کمی نزدیک‌تر است و مکانیکی‌تر از نسخه استربرگ انجام می‌شود. آنان مدلی سلسله‌مراتبی از معنادارکردن داده‌های کیفی را در سه سطح عمومی تقلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها، و استنباط و تأیید داده‌ها ارائه کرده‌اند:

مرحله اول، سطح تقلیل: در این مرحله یافتن (تم‌های بنیادی)، خوشه‌کردن و الگو‌بخشی به داده‌ها و یک‌سری عملیات روان‌شناختی صورت می‌گیرد که ساده‌ترین آن‌ها تبیین‌های توجیهی است. عملیات پیچیده‌تری نیز همچون کاربرد استعاره‌ها، مقایسه‌ها و تقابل‌ها صورت می‌گیرد. در این مرحله، ابتدا کدگذاری اولیه به صورت کدهای توصیفی و استنباطی انجام می‌شود. سپس در مرحله دوم کدگذاری الگویی صورت می‌گیرد. کد الگویی کد استنباطی یا متا‌کد است. به دنبال آن مرحله تحلیل استقرایی است. در این فرایند، تحلیل‌های اولیه شکل می‌گیرند.



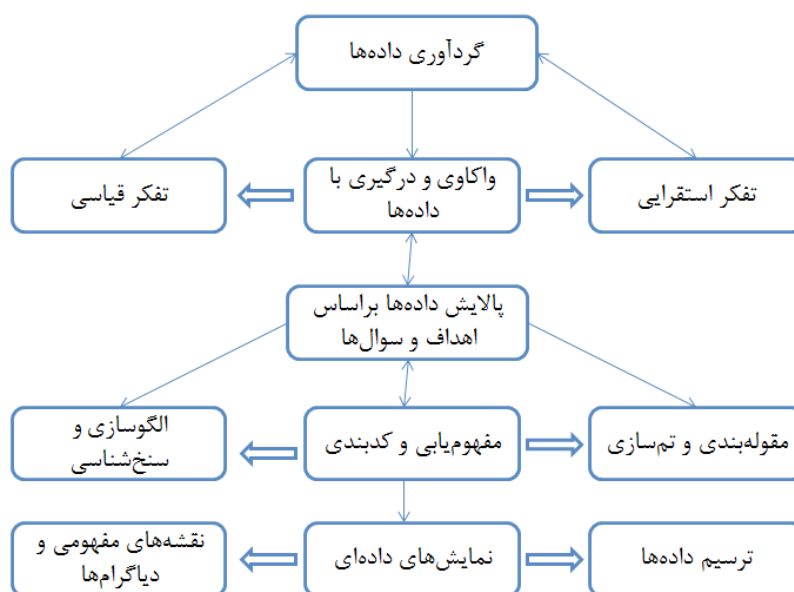
شکل ۶: طرح تحلیل تماتیک شیوه استربرگ

مرحله سوم، تفسیر و استنتاج: در این مرحله محقق می‌تواند سوم فرایند مقوله‌بندی، تنظیم داده‌ها و استخراج تم‌ها از کدهای اولیه است. مرحله چهارم شرح‌واره نویسی است. مرحله پنجم دیاگرام‌سازی داده‌هاست. این مرحله شامل سنخ‌بندی کردن، ماتریس‌سازی افقی و عمودی، چارت‌سازی مفهومی، فلوجارت و شبکه‌های مفهومی علی است. مرحله ششم سنخ‌شناسی یا نوع‌شناسی داده‌ها و شناسایی انواع موضوعات عام است. مرحله هفتم تفکر انتقادی است. در این مرحله محقق باید به بازنگری عبارات، عبارت‌بندی مجدد، تغییر دیاگرام‌ها، مقایسه ثابت، بازاندیشی افراط‌ها و تقابلهای، گفت‌وگو با همکاران تحلیل و بازنگری طرح پردازد و از قضاوت خودداری کند.

کلازک و براون (2006) نیز فرایندی شش مرحله‌ای را برای تحلیل تم سامان داده‌اند:

مرحله سوم، تفسیر و استنتاج: در این مرحله محقق می‌تواند با توجه به داده‌های پردازش‌شده کیفی خود دست به تفسیر و استنتاج بزند.

مدل دیگر تحلیل تماتیک به مدل تحلیل میدان اجتماعی لوفلند و همکاران (2005) موسوم است که از بسیاری جهات با مدل میلز و هابرمین اشتراک دارد. این مدل دارای هفت مرحله است: مرحله اول روش قالب‌بندی است. هدف عمده این راهبرد فرمول‌بندی قضایای عمومی است که در بخش عمده‌ای از داده‌ها نظم به وجود می‌آورد و آن‌ها را جمع می‌کند. مرحله دوم راهبرد کدگذاری است که پیش‌تر درباره آن بحث شد. کدبندی و شرح‌واره نویسی هسته اصلی این نوع تحلیل و همه تحلیل‌های تماتیک است. کدها ابزارهای بنیادی تحلیل تماتیک‌اند. مرحله



شکل ۷: طرح عمومی تحلیل تماتیک (محمدمپور، ۱۳۹۲)

مرحله ۱، آشنایی با داده‌ها: محقق، برای آشناندن با عمق و گستره محتوایی داده‌ها، لازم است خود را تا اندازه‌ای در آن‌ها غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل «بازخوانی مکرر داده‌ها» و خواندن فعال داده‌ها (جست‌وجوی معانی و الگوها) است.

مرحله ۲، ایجاد کدهای مفهومی اولیه: مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنا شده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای مفهومی اولیه از داده‌هاست. کدها ویژگی‌هایی از داده‌ها را معرفی می‌کنند که به نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد. این کدها ممکن است مستقیم و صریح در متن وجود داشته باشند یا مستتر باشد که از طریق ویژگی‌های مشترک و هم‌ارز این نوع مشخصه‌ها قابل شناسایی است.

مرحله ۳، جست‌وجوی کدهای گزینشی (شاخص‌ها): این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب‌کردن همه خلاصه‌داده‌های کدگذاری شده است. در واقع محقق تحلیل کدهای خود را شروع می‌کند و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف را می‌توان برای ایجاد یک تم کلی ترکیب کرد. در این مرحله کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری کنار گذاشته می‌شود و تعدادی کد گزینشی یا شاخص به دست می‌آید.

مرحله ۴، شکل‌گیری تم‌های فرعی (مؤلفه‌ها): مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آن‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های فرعی است. مرحله اول

شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌های فرعی در ارتباط با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود.

مرحله ۵، تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی (بعدهای اصلی): مرحله پنجم زمانی شروع می‌شود که تصویری رضایت‌بخش از تم‌ها وجود داشته باشد. در این مرحله، محقق تم‌های اصلی را که برای تحلیل ارائه کرده تعریف می‌کند و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد، سپس داده‌های داخل آن‌ها را با کمک روش‌شناسی‌های مبانی نظری و دیگر مباحث تحلیل می‌کند. با تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آنچه یک تم درباره آن بحث می‌کند مشخص می‌شود و تعیین می‌شود که هر تم اصلی کدام جنبه از داده‌ها را دربر دارد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

مرحله ۶، بازبینی نهایی و تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌های اصلی و فرعی را به صورت کامل و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل بررسی، مقایسه و مشارکت‌گرفتن از خبرگان است که بعد از آماده‌شدن مطالب و تحلیل پایانی و نگارش گزارش انجام می‌شود.

با توجه به شش شیوه مورد بررسی، طرح عمومی تحلیل تماتیک در شکل ۷ ارائه شده است.

۲-۴. تحلیل نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد^۱

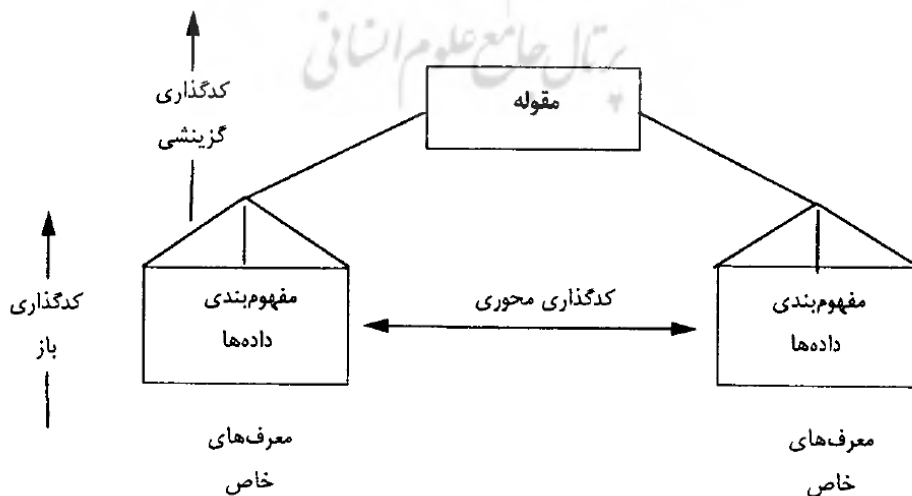
داده در این تحلیل به مثابه نظریه‌ای مکنون است. نظریه زمینه‌ای

استراوس و کوربین، نظریه زمینه‌ای رویه‌ای برای مفهوم‌بندی داده‌ها (کدگذاری باز)، مقوله‌بندی و ارتباط‌دادن بین مقولات (کدگذاری محوری)، ساخت «داستان» که مقولات را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (کدگذاری انتخابی) و پایان‌بخشیدن به آن با مجموعه‌ای گفتمانی از فضایی نظری (مدل پارادایمی) است.

در این شیوه، محقق ابتدا با بررسی داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب داده‌های متنی و مشاهده‌ای و نیز با ارجاع به سؤال یا تحقیق تحلیل را آغاز می‌کند. سپس مراحل کدگذاری را به تفکیک سؤال یا سؤالات تحقیق شروع می‌کند. در مرحله اول یا کدگذاری باز، محقق به بررسی متون (دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها و اسناد) برای دریافت مفاهیم مکنون در اطلاعات می‌پردازد. محقق، با استفاده از رهیافت مقایسه‌های ثابت، می‌کوشد تا مفاهیم را اشباع سازد. وی به دنبال مواردی می‌گردد که مفاهیم را بازنمایی کند و تا زمانی که اطلاعات جدیدی پیدا نشود این کار را ادامه می‌دهد. این مفاهیم شامل زیرمقولات یا مفاهیمی است که آن‌ها را ذخایر می‌نامند. این ذخایر نمایانگر رویکردهای متعدد درباره زیرمقولات است. به علاوه، این ذخایر دارای ابعادند؛ یعنی روی یک پیوستار قرار دارند. در این مرحله تقلیل داده‌ها صورت می‌گیرد. کدبندی باز ممکن است سطر به سطر باشد که به هر یک از سطرها یا جملات مفهوم یا کدی الصاق می‌شود. این کد یا مفهوم باید حداکثر فضای مفهومی و معنایی آن‌ها را پر کند. در این مرحله تمام اطلاعات کدبندی می‌شوند. در هر مرحله از تولید کد، محقق می‌تواند برای هر کد اولیه شرح‌واره مختصری بنویسد و در ساخت مقولات عمده از آن استفاده کند. در فرایند کدگذاری باز، محقق باید بر اساس حساسیت نظری مفاهیمی را دنبال کند که در فرایند تحلیل ارزش بازنمایی و تحلیلی بیشتری دارند. مفاهیم برگرفته از این طریق را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند.

را ابتدا بارنی گلنیز و آنزلم استراوس در سال ۱۹۶۷ ابداع کردند که در کتاب مشهور آن‌ها به نام کشف نظریه زمینه‌ای منتشر شد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). این روش تحلیل برای نظریه‌پردازی در حوزه‌هایی به کار می‌رود که با رویه‌های کمی اثباتی دشوار است. هدف از این نوع تحلیل پررنگ کردن رویکرد استقرایی در پژوهش است؛ زیرا در پی نظریه‌پردازی از طریق داده‌های جمع‌آوری شده است، نه از طریق بررسی ادبیات پژوهش و سپس آزمون نظریه تدوین شده. بعدها نظریه‌پردازان این شیوه خط فکری خود را تغییر دادند و امروزه سه رهیافت غالب در تحلیل نظریه زمینه‌ای قابل تمیز است (عزیزی، ۱۳۹۵): رهیافت نظام‌مند که با استراوس و کوربین (۲۰۰۷) شناخته می‌شود، رهیافت ظاهرشونده که مربوط به گلنیز (۱۹۹۸) است و رهیافت ساخت‌گرایانه که چارمز از آن حمایت می‌کند (Creswell and Miller, 2000). بنابر نظر گلنیز، داده‌های مورد استفاده در نظریه زمینه‌ای باید تجربی باشند، بدین معنی که محقق شخصاً به صورت عینی و تجربی درگیر عملیات گردآوری اطلاعات باشد. نظریه زمینه‌ای در میدان پژوهش تنظیم می‌شود و داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه را به کار می‌گیرد. ماهیت استقرایی این نظریه به‌ویژه باعث خلاقیت و آزادی عمل محقق می‌شود و فرایند پژوهش را بسیار انعطاف‌پذیر می‌سازد (Wortham, 2001).

نظریه زمینه‌ای مسئله‌محور است و مبتنی بر ارتباط‌دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسئله کمک می‌کنند. در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، مطابق نظر استراوس و کوربین (۲۰۰۷) که متداول‌تر از رهیافت‌های دیگر نیز هست، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم کدگذاری شده تبدیل و در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی یا انتخابی به هم متصل می‌شوند (Maxwell, 2004). از نظر



شکل ۸: فرایند تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از رویه نظریه زمینه‌ای (Punch, 2004)



شکل ۹: مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای (Corbin and Staruss, 2007)

مشترکی از محقق و مشارکت‌کننده است و تمرکز بر معانی‌ای است که مشارکت‌کنندگان اسناد می‌دهند. به زعم رهیافت چارمز داده‌ها واقعیت صرف نیستند، بلکه سازه‌اند. توجه ویژه به زبان و کنش افراد (تشریح احساسات افراد) و بررسی وقوع تجربه و شکل‌گیری ساختارها مهم است و معمولاً در قالب استفاده از گروه‌های کانونی و مصاحبه فردی صورت می‌گیرد.

شایان ذکر است، به جز سه رویکرد اشاره‌شده پیرامون تحلیل نظریه زمینه‌ای، دو رویکرد جدید دیگر نیز وجود دارد. یکی مربوط به رهیافت موقعیت‌گرا (Clarke, 2005) و دیگری رهیافت چندزمینه‌ای (Goldkuhl and Cronholm, 2010) است.

رهیافت موقعیت‌گرا تحت عنوان تحلیل موقعیتی در ادامه مطرح می‌شود، اما مختصراً باید گفت این رویکرد تلفیق نظریه زمینه‌ای با جهان‌بینی فرانواگرای است. در واقع، ارائه روش‌های نوآورانه برای نگاشت موقعیتی و تحلیل داده‌های روایتی، گفتمانی و بصری با هدف بازآفرینی نظریه زمینه‌ای با رویکردی نو صورت می‌گیرد و بر بخش‌ها، موقعیت‌ها و تعارضات تأکید دارد.

از طرف دیگر، رهیافت چندزمینه‌ای غالباً دیالکتیکی است و داده‌های تجربی و نظریه‌ها منابع دانش شناخته می‌شوند. سه فرایند زمینه‌یابی این رهیافت عبارت است از زمینه‌یابی تجربی: داده‌های تجربی (ترجیحاً از طریق رویکرد استقرائی)؛ زمینه‌یابی نظری: استفاده از نظریه‌های پیشین (نظریه‌هایی که به‌خوبی برای پدیده نظریه‌سازی شده انتخاب شده‌اند) و زمینه‌یابی درونی: ایجاد تناسب صریح در درون نظریه (میان عناصر موجود در نظریه).

در پایان می‌توان گفت ویژگی‌های مشترک خانواده پنج‌تایی نظریه زمینه‌ای عبارت است از:

- فرایند تکراری گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها؛
- توسعه نظریه/مدل؛
- مقایسه مستمر داده‌ها در طول تحقیق؛
- خلق کدها و مقوله‌ها از داده‌ها به جای فرضیه‌های پیشین؛
- نمونه‌گیری نظری برای تولید نظریه، نه معرف‌بودن؛
- یادداشت‌برداری برای بررسی مقوله‌ها و روابط بین آن‌ها؛
- تأخیر در استفاده از ادبیات تا پایان تحلیل‌ها.

در این نوع نمونه‌گیری، محقق هم در میدان مطالعه و هم در فرایند کدبندی داده‌ها (مرحله کدگذاری باز و نیز مرحله کدگذاری محوری) از مفاهیم، معانی و رویدادها نمونه‌گیری می‌کند. این فرایند تا زمان اشباع داده‌ها ادامه می‌یابد (Glaser, 1998; Corbin and Staruss, 2007).

وقتی مجموعه‌ای از مفاهیم (کدها) اولیه استخراج شد، مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت (تشابهات و تفاوت‌ها) در قالب مقولات عمده دسته‌بندی می‌شوند. این فرایند را کدگذاری محوری می‌نامند. سپس مقولات عمده بر اساس ابعاد شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدی دسته‌بندی و در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط می‌شوند و به نگارش درمی‌آیند. خط داستان باید مقولات عمده را به‌صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم و فهرست‌وار توضیح دهد و ارتباطی یک‌سویه و سپس دوسویه بین آن‌ها برقرار کند. این فرایند به تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها کمک می‌کند و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته فراهم می‌سازد. بعد از اتمام خط داستان، مقوله محوری یا هسته و یا پدیده محوری استخراج می‌شود. در این مرحله، محقق شرایطی را که بر این پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارد، راهنماهای عنوان‌شده در این پدیده، بستر و شرایط متداخل‌کننده‌ای که این شرایط را شکل می‌دهند، و پیامدهای انجام‌دادن این راهنماها را در قالب الگوی معنایی سه‌بعدی ترسیم می‌کند. این مرحله را کدگذاری گزینشی می‌نامند. در این مرحله، محقق یک پارادایم کدبندی یا مدل نظری ارائه می‌دهد که روابط متقابل این مقولات محوری را به‌صورت تصویری نشان می‌دهد (Creswell, 1998).

رهیافت سوم، که مربوط به ساخت‌گرایانه چارمز است، بیان می‌دارد که نظریه کشف نمی‌شود بلکه ساخته می‌شود. در واقع، بررسی نظریه زمینه‌ای با رویکرد تفسیری صورت گرفته و پرتله‌ای تفسیری از دنیای مورد مطالعه ارائه می‌دهد نه تصویر آن را. در این رویکرد، مشارکت محقق و مشارکت‌کننده در ارائه نظریه مهم است (Charmaz, 2006). به عبارت دیگر، نظریه‌پردازی به معنی ساخت خلاصه‌ای از ادراکات درباره جهان است که برای این کار تعاریف چندگانه از پدیده جست‌وجو می‌شود. چارمز به دنبال ظهور نظریه یا کشف آن نیست؛ به زعم او نظریه کار

۳-۴. تحلیل روایتی^۱

داده در این تحلیل به‌مثابه روایت است. تحلیل روایتی از برخی جنبه‌ها مانند توجه به گفت‌وگو در تعامل، توجه به بستر و تأکید بر ماهیت بین‌الذهانی زندگی اجتماعی با روش‌های تحلیل مکالمه، تحلیل موقعیت یا تحلیل پدیدارشناختی تشابه دارد. با این حال، آنچه این شیوه را کاملاً متمایز می‌سازد توجه به ابعاد داستان‌وار و تجربه‌ای، قصه‌ها و حکایت‌های شخصی‌ای است که راوی در زنجیره‌ای منظم نقل می‌کند.

تحلیل روایتی، از همان ابتدا، با داده‌های کیفی برخوردی کل‌گرا دارد. بسیاری از داده‌های کیفی به‌طور طبیعی به شکل داستان بیان می‌شوند. برای مثال، مشاهده مشارکتی یا مصاحبه و حتی در برخی موارد داستان‌های شفاهی و مصاحبه‌های مردم‌نگارانه ساختاریافته یا ساختارنیافته داده‌هایی به شکل روایتی و داستانی دارند. این داده‌ها ویژگی داستانی دارند، مانند مصاحبه‌های باز که در آن مردم پاسخ‌های خود را داستان‌وار می‌گویند (Hanson et al, 2011). به‌علاوه، داستان‌ها شیوه‌هایی برای تشریح تجربه زیسته افرادند (Punch, 2004). بیشتر این نوع مطالعات داخلی در حوزه‌های ادبیات و شعر، آن‌هم به‌گونه‌ای بسیار متفاوت با منطق خاص این تحقیق، صورت گرفته‌اند. در بین مرتبط‌ترین مطالعات داخلی انجام‌شده به این روش می‌توان به پژوهش عبداللهیان (۱۳۸۵) و ذکائی (۱۳۸۷) اشاره کرد (محمدپور، ۱۳۸۸).

تحلیل روایتی به محققان توصیه می‌کند که داستان‌های افراد را جدی بگیرند و جایگاه آن‌ها را در تولید و بازتولید جهان اجتماعی طبیعی فرد در نظر بگیرند. تحلیل روایتی خاص واکاوی و استخراج معنا از داستان‌ها و روایت‌های فردی و اجتماعی است، گرچه می‌توان از شیوه‌های مشابه دیگری نیز استفاده کرد. با وجود این به محققان توصیه می‌شود، چنانچه با روایت‌ها و داستان‌ها و بیوگرافی‌های افراد سروکار دارند، ترجیحاً از این روش استفاده کنند.

روش روایتی که از برخی جهات مبتنی بر تحلیل تماتیک است، به شیوه‌های گوناگونی اجرا می‌شود. هرچند روایات عناصر عموماً مشترکی دارند، تفاوت‌های جزئی در بین شیوه‌های تحلیل داده‌های روایتی وجود دارد. مهم‌ترین مشخصه‌ها و اجزای مشترک بین همه روایات عبارت است از:

۱. درآمد: این بخش بیانگر مقدمه و نشانه‌های آغاز یک داستان است. مردم به شکل‌های گوناگون داستان‌های خود را بیان می‌کنند. برای مثال، «یکی بود، یکی نبود» درآمد داستان‌های پریان و افسانه‌هاست.

۲. آشنایی: این قسمت اطلاعات بنیادی را بیان می‌کند. برای مثال، «چه کسی درگیر بود؟»، «چه اتفاقی افتاد؟»، «چه زمان و در کجا؟».

۳. پیچیدگی (گره‌افکنی): پیچیدگی بیانگر پیچیده‌شدن سیر روایت است: «اتفاق بعدی چه بود؟»، «حوادث چطور به یکدیگر مرتبط‌اند؟»

۴. ارزیابی: ارزیابی در مواجهه با این سؤال‌ها شکل می‌گیرد: «برای چی؟»، «چرا داستان مهم است؟».

۵. گره‌گشایی (نتایج): این بخش به شنونده یا خواننده داستان می‌گوید که در نهایت چه اتفاقی رخ می‌دهد.

۶. پایان: این بخش به شنونده می‌گوید که داستان در حال اتمام است (Esterberg, 2002).

گفتنی است در این شیوه ضرورتی ندارد که روایت نهایی نظم زمانی داشته باشد، بلکه می‌توان با توجه به تشش و چالش موجود در داستان یا جذابیت موضوعات بر سیر داستان تأکید کرد و آن را سروسامان داد (Cleland, 2017).

۴-۴. تحلیل پدیدارشناسی^۲

داده در این تحلیل به‌مثابه تجربه است. درحالی‌که در روش روایتی عمدتاً تجارب فردی بررسی می‌شود، در روش پدیدارشناسی درک لایه‌های عمیق معنایی تجارب زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم یا پدیده مدنظر است. تحلیل پدیدارشناسی از دشوارترین شیوه‌های تحقیق یا تحلیل داده‌ها است، زیرا بعد فلسفی آن بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از بعد عملی آن است. هدف تحلیل پدیدارشناسی درک و استخراج معنای ذاتی موجود در پدیدار یا ذات پدیده مورد مطالعه است.

ویژگی‌های اصلی پدیدارشناسی تمرکز بر تجربه فردی - معمولاً با مصاحبه عمیق و/یا بررسی روایت‌های شخصی - و تحلیل قیاسی و توجه ویژه به رویکرد بازاندیشانه است (Reeves et al., 2008). رویکردهای پدیدارشناسی ممکن است به‌صورت تک‌نفره یا نمونه‌های گروهی اعمال شود و از روش‌های گوناگونی از جمله مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، مشاهدات شرکت‌کنندگان، تحقیقات عملی، جلسات تمرکز و تجزیه و تحلیل متون شخصی استفاده شود (Tavakol et al., 2012).

در این روش ساختار آگاهی در تجارب انسانی بررسی می‌شود. روش مذکور مبتنی بر آرای هوسرل، هایدگر، سارتر و مریلو - پوتی است و چهار قاعده دارد: بازگشت به وظایف سنتی فلسفه، فلسفه بدون پیش‌فرض و قضایای پیشین، نیت‌مندی آگاهی و ردّ تقابل ذهنیت و عینیت. از این روش به‌ویژه در

۴-۵. تحلیل محتوای کیفی^۱

تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون و اسناد و مدارک را، خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیلی منظم و دقیق قرار داد. در طبقه‌بندی کلی، معمولاً روش‌های متفاوت تحلیل محتوا به دو دسته کلی روش تحلیل محتوای کمی و روش تحلیل محتوای کیفی تقسیم می‌شوند. در روش‌های کمی، معمولاً مقدار زیادی از داده‌ها به‌طور مختصر تحلیل می‌شوند. در این روش می‌توان مجموعه‌ای از اسناد یا متون را استخراج و شمارش و طبقه‌بندی کرد. در روش‌های کیفی، مقدار کمی داده‌های مرکب و مفصل تحلیل می‌شوند و پایه واحد اطلاعاتی ظهور یا غیبت یک خصیصه است (فاضلی، ۱۳۷۶). روش تحلیل محتوا در آغاز بیشتر بر کمیت تأکید داشت و به شمارش فراوانی حضور یک واحد تحلیلی، مانند یک واژه یا یک اصطلاح و در اشکال پیشرفته‌تر یک مضمون، در متن می‌پرداخت. این شیوه تفکر به تدریج تغییر یافت و بخش‌هایی از آن اصلاح و بازبینی شد (فاندی و گلشنی، ۱۳۹۵). در میانه‌های قرن بیستم به تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل ایراداتی وارد شد. از آن زمان بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافت. تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های پژوهش است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد. از دیگر مواردی که می‌توان در آن‌ها از این روش سود جست، مردم‌نگاری، نظریه داده‌بنیاد، پدیدارشناسی و پژوهش‌های تاریخی است. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ایمان، ۱۳۸۸).

این توضیح لازم است که معمولاً وقتی از تحلیل محتوا به‌منزله یک روش نام برده می‌شود، تحلیل محتوای کمی مدنظر است. باین‌حال، هنگامی که در تحلیل داده‌ها به آن اشاره می‌شود، منظور تحلیل محتوای کیفی است که به‌گونه‌ای همان تحلیل مضمون یا تحلیل تم است (Neondorf, 2016). البته امروزه از تحلیل محتوای ترکیبی نیز یاد می‌کنند (فاندی و گلشنی، ۱۳۹۵) که در آن هم معانی آشکار و هم پنهان شناسایی و شمارش می‌شوند. در اهمیت این شیوه تحلیل می‌توان به نظر پرگ (2006) اشاره کرد که مطابق آن شمارش عناصر متنی برای شناسایی، سازمان‌دهی، شاخص‌بندی و خلاصه‌سازی داده‌ها بسیار اساسی است.

داده در تحلیل محتوای کیفی به‌مثابه معناست. تحلیل محتوای کیفی روشی دیگر از تحلیل داده‌های متنی است. در این روش که برخی آن را یکی از روش‌های تحلیل روایتی می‌دانند، هدف

مطالعات پرستاری، روان‌شناسی و روان‌کاوی و به‌طورکلی حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی به‌وفور استفاده می‌شود (Crewell, 1998). برای مثال، از مطالعات آغازین این روش در کشور، پژوهش مهربان مرضیه و همکاران (۱۳۸۷) است. آنان در پژوهش خود با عنوان «تجارب روانی بیماران دارای استوما (کلستومی)، یک مطالعه پدیدارشناسی» از این روش به‌خوبی بهره گرفته‌اند (محمدپور، ۱۳۸۸).

در این شیوه تحلیل، محقق باید با رهاکردن خود از دام همه عادت‌واره‌های فکری پیشین، پرهیز از کاربرد هرگونه نظریه یا فرضیه راهنما و اپوخه پدیده مورد مطالعه (فرایند درپرانترگذاری) آن را توصیف کند.

یکی از دشواری‌های این تحلیل آن است که انسان هرگز نمی‌تواند خود را از پوست و فکر خویش خارج کند و هیچ نظر یا برداشتی از واقعیت موردبررسی نداشته باشد. باوجوداین، پدیدارشناسی محقق را ترغیب می‌کند که تا حد ممکن به ذات و جوهره موضوع مطالعه نزدیک شود و از جهت‌گیری قیاسی - فرضیه‌ای اثباتی اجتناب کند.

موستاکاس (1994) و کراسول (1998) مراحل طراحی و انجام‌دادن روش تحلیل پدیدارشناسانه نوعی را چنین برمی‌شمارند:

۱. ابتدا محقق با توصیفی کامل از تجربه خود درباره پدیده تحت‌بررسی تحلیل را آغاز می‌کند.

۲. محقق عباراتی را (در مصاحبه‌ها) می‌یابد در این باره که افراد چگونه آن موضوع را تجربه می‌کنند. وی این عبارات مهم را فهرست می‌کند (افقی‌سازی عبارات). سپس هریک از این عبارات را با ارزش یکسان مدنظر قرار می‌دهد. وی می‌کوشد تا گزاره‌های تکراری و نامتداخل را فهرست کند.

۳. سپس این عبارات را به واحدهای معنا گروه‌بندی می‌کند، آن‌ها را فهرست می‌کند و توصیفی از بافت‌های متنی تجربه (توصیف متنی) می‌نگارد.

۴. در این مرحله، محقق توصیف خود را بیان می‌کند و از تنوع تخیلی و توصیف ساختاری استفاده می‌کند؛ یعنی جست‌وجوی همه معانی ممکن. در رویکردهای واگرا، قالب‌های مرجح پدیده را تغییر می‌دهد و توصیفی از چگونگی پدیده تجربه‌شده می‌سازد.

۵. سپس محقق توصیفی کلی از معانی و ماهیت پدیده تجربه‌شده به‌دست می‌دهد.

۶. این فرایند در ابتدا برای گزارش تجربه محقق دنبال می‌شود و سپس برای هریک از مشارکت‌کنندگان اجرا می‌شود. درنهایت توصیفی تصنیفی و ترکیبی از همه توصیفات جداگانه به نگارش درمی‌آید.

مطرح کرد. این رویکرد، برخلاف گرایش‌های جامعه‌شناسی، به مطالعه نظم اجتماعی انتزاعی نمی‌پردازد؛ برعکس، این رویکرد خردنگر درصدد شناسایی آن دسته از رویه‌های اجتماعی است که اعضای یک جامعه برای خلق نظم اجتماعی خود به کار می‌گیرند. استفاده از این روش به‌ویژه در حوزه داده‌های مصاحبه‌ای توصیه می‌شود. در این روش رفتار مکالمه‌ای تحلیل می‌شود و قواعد و الگوهای آن استنباط و فرمول‌بندی می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین مبانی نظری این تحلیل آن است که به تحلیل متون گفتاری در موقعیت‌های طبیعی توجه دارد، نه در محیط آزمایشگاهی. گرچه امروزه این نوع تحلیل کاربرد فراوانی در تحلیل داده‌های کیفی دارد، اما به هر علت محققان کشور توجه چندانی به آن نداشته‌اند؛ لذا بر اهمیت استفاده از این روش به‌ویژه در حوزه داده‌های مصاحبه‌ای تأکید می‌شود.

فرض بنیادی این شیوه تحلیل آن است که مردم هر جامعه رویه‌های خاصی برای معنابخشی به زندگی روزمره خود دارند. در این زمینه، زبان به منزله رابطه و واسطه جهان اجتماعی بسیار مهم است. سیلورمن (2005) سه فرض بنیادی این روش را توجه به سازمان ساختاری گفت‌وگو، سازمان توالی گفت‌وگو و نیاز برای بسترمندی تجربی تحلیل عنوان می‌کند. به پیروی از این مفروضات، تحلیل مکالمه، در استفاده از مکالمات ضبط‌شده، تولید و سازمان‌دهی موقعیت‌یافته گفت‌وگو را مطالعه می‌کند و درک از پایین به بالا، چگونگی تأثیرات بستر بر تولید واقعیت از سوی مشارکت‌کنندگان یا گفت‌وگو - در - تعامل را توسعه می‌دهد (Wortham, 2001). در این روش نیز، با تأکید بر داده‌های متنی - گفت‌وگویی، مراحل متعارف زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تعیین متن مکالمه: متن مکالمه یا گفت‌وگو انتخاب شود. این متن ممکن است، از یک گفت‌وگوی تلفنی تا متن گفت‌وگوی موجود در یک رمان، متفاوت باشد.
۲. تعیین واحد مطالعه: واحد تحلیل ممکن است کلمه، جمله، پاراگراف یا زنجیره گفت‌وگو باشد.
۳. شناسایی منطق حاکم بر گفت‌وگو: زنجیره گفت‌وگو، آغاز و اتمام مکالمه و دیگر ابعاد خاص مکالمه مدنظر قرار گیرد.
۴. تحلیل و تفسیر نهایی: ارتباط بین ابعاد و محتواهای متن مکالمه تحلیل و تفسیر شود.

۴-۷. تحلیل نشانه‌شناختی^۲

داده در این تحلیل به‌مثابه نشانه است. در یکی دو دهه اخیر، برخی روش‌شناسان کیفی بر ابعاد نشانه‌شناختی متن تأکید دارند. از این رو، روش تحلیل نشانه‌شناختی گسترش بسیاری

بررسی محتوای درون‌متنی است. از آنجاکه تحلیل محتوا در بین محققان کشور عمدتاً با روش کمی پیوند خورده است، لذا مطالعات بسیاری به روش تحلیل محتوای کمی صورت گرفته است؛ از این رو به اندازه استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی ناشناخته مانده است. در تحلیل محتوای کیفی محقق نوعاً با مجموعه‌ای از اصول آغاز می‌کند و درصدد استخراج معنا از متن با قواعد و اصولی ویژه است. چنین تحلیلی در رهیافتی متنی از داده‌های آشکار و پنهان صورت می‌گیرد.

این روش یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تحلیل متن در میان روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی است. از نظر تاریخی، پیدایش و گسترش تحلیل محتوا از لحاظ ماهیت تحت‌تأثیر مطالعه‌های مربوط به رسانه‌های ارتباطی و سیاست‌های بین‌المللی است. تحلیل محتوا هرگونه استقرای داده‌های کیفی و تلاش برای معناسازی است که حجم زیادی از داده‌های کیفی را برای شناسایی هم‌سازها و معناهای درونی مطالعه می‌کند. تحلیل محتوای کیفی، مانند همه طرح‌های کیفی، از ماهیت انعطاف‌پذیر، مارپیچی یا غیرخطی، خلاقانه و بدون فرمت خاص پیروی می‌کند (محمدپور، ۱۳۸۸).

برای آغاز تحلیل محتوای کیفی باید سطح و واحد تحلیل مشخص شود. واحد تحلیل ممکن است در سطح کلمات، جملات، عبارات، پاراگراف‌ها، بخش‌ها، فصل‌ها، کتاب‌ها، نویسندگان، مواضع ایدئولوژیکی یا هر چیز دیگری باشد. سپس تحلیل تماتیک و مقوله‌سازی انجام می‌گیرد. برای مقوله‌بندی داده‌ها می‌توان از روش کدگذاری نظریه زمینه‌ای گلنزر استفاده کرد. در تحلیل محتوای کیفی می‌توان هفت عنصر عمده یعنی کلمات، تم‌ها (یک جمله ساده)، شخصیت‌ها (افراد و تعداد تکرار آن‌ها)، پاراگراف‌ها، اقلام (واحد کل بیان فرستنده)، مفاهیم و نشانه‌ها را شمارش و طبقه‌بندی کرد. سپس باید طبقات و مقولات را از یکدیگر تفکیک کرد. در اینجا سه طبقه متفاوت با عناوین طبقات مشترک، طبقات خاص و طبقات نظری (طبقاتی که در جریان تحلیل داده‌ها ظهور می‌یابند) وجود دارد (Berg, 2006). به‌طورکلی، برای انجام دادن تحلیل محتوای کیفی نوعی مراحل شامل تعیین مواد متنی، تحلیل خاستگاه متن، تشخیص رسمی مواد، تعیین مسیر تحلیل، تفکیک نظری سؤالاتی که باید پرسیده شوند، انتخاب روش تحلیلی، تعریف واحد تحلیل، تحلیل مواد و تفسیر نهایی پیشنهاد شده است.

۴-۶. تحلیل مکالمه^۱

داده در این تحلیل به‌مثابه امری تعاملی است. در کنار روش تحلیل محتوای کیفی، از روش تحلیل مکالمه نیز استفاده می‌شود. این روش را ابتدا گارفینکل، بنیان‌گذار روش‌شناسی مردمی،

می‌گیرد که از طریق آن معنا تولید می‌شود.

۴-۸. توصیف ضخیم^۱

روش توصیف ضخیم بیشتر طراحی کلی، توصیه‌ای روش‌شناختی یا شیوه‌دریافت و نگارش است تا روش تحقیقی متعارف. این روش را به کلیفورد گیرتز^۲ از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مردم‌شناسان معاصر، نسبت می‌دهند که موفق شد پیوندی میان تفسیر و تبیین ایجاد کند.

توصیف ضخیم شامل توصیف محیط، شرکت‌کنندگان، حوادث، تم‌ها و... با جزئیات است که داستان را به خواننده منتقل می‌کند. این جزئیات خوانندگان را قادر می‌سازد تا به صورت بومی و طبیعی بین تجارب روایت و تجارب شخصی خود ارتباط برقرار کنند (FitzPatrick, 2019).

به عبارت دیگر، در توصیف ضخیم محقق لایه‌های متعدد و ابعاد چندگانه متن، پدیده، رویداد یا واقعیت را با دقت، ظرافت و حوصله شرح می‌دهد. از این منظر هر توصیفی نوعی تبیین است، زیرا چنانچه موضوعی به توصیف ضخیم درآید، قطعاً به ارتباط علی یا متقابل و تأثیر و تأثرها نیز اشاره خواهد شد. برای مثال، اگر محقق به توصیف ضخیم رفتار انحرافی خاصی بپردازد، به طور طبیعی به علل و عوامل و پیامدهای آن رفتار نیز خواهد پرداخت. مراحل عمومی اجرای توصیف ضخیم نوعی از این قرار است (محمدمدپور، ۱۳۹۲):

۱. متن، پدیده، رویداد، بستر یا هر موضوع فرهنگی موردعلاقه انتخاب می‌شود.
۲. محقق در موضوع خود غوطه‌ور می‌شود و آن را از دیدگاه امیک یا تجربه نزدیک واکاوی می‌کند.
۳. تک‌تک عناصر آن موضوع طوری توضیح داده می‌شود که به اشباع توصیفی برسد.
۴. توصیف ضخیم به معنای زیادنوشتن نیست، بلکه آشکارساختن نظام معنایی موجود در متن یا پدیده مهم است.
۵. بر معانی، نمادها، نشانه‌ها، پیوندها و اتصال‌ها در «بسترهای خاص خودشان» تمرکز می‌شود.
۶. واقعیت‌های موجود در پدیده یا هر متن اجتماعی مورد مطالعه تورق می‌شود و لایه‌های آن‌ها همچون لایه‌های پیاز باز می‌شود تا به هسته حقیقی آن برسد.
۷. مراحل نگارش گزارش توصیف ضخیم عمدتاً خلاقانه است، اما می‌توان از گام‌های عمومی گزارش‌های کیفی استفاده کرد.

یافته است. مطالعات متعددی نیز در این زمینه وجود دارد که در آن‌ها تلاش شده تا حد ممکن از این روش و جزئیات روشی آن استفاده شود. برای مثال، از پژوهش‌های آغازین می‌توان به مطالعه سعیدی (۱۳۸۷) با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی یک نگاره؛ گذر فریدون از اروند»، مطالعه توفان (۱۳۸۵) در زمینه «تحلیل نشانه‌شناختی شب و روز، اثر پن رز» و مطالعه موسوی لر و بخارایی (۱۳۸۷) با عنوان «کاربرد نمادهای گیاهی در طراحی نشانه‌های معاصر ایران» اشاره کرد که در برخی موارد به‌خوبی از این روش استفاده کرده‌اند. به‌هرحال، در خلال چند دهه اخیر، این روش به‌منزله روش تحلیل مهم داده‌های کیفی مورد توجه روش‌شناسان کیفی قرار گرفته است (Punch, 2004). در این نوع تحلیل، زبان نظام نشانه‌ای نمادینی تعریف می‌شود که در آن هر نشانه به نشانه دیگر معنا می‌بخشد. بررسی نظام‌های گوناگون نشانه مانند ریاضیات، موسیقی، مناسک نمادین، علائم خیابانی و مانند آن را می‌توان با روش تحلیل نشانه‌شناختی انجام داد. این روش مبتنی است بر تحلیل زبان در متنی که خواننده می‌شود (Titscher et al., 2005).

ایده اساسی در این روش آن است که تجلیات ظاهری معنای خود را از ساختارهای زیرین می‌گیرند. از این رو استفاده از این روش در روش‌های کیفی، برای بررسی زبان‌شناختی متون اعم از متن نوشته‌شده یا میدان مطالعه‌شده، بسیار مفید و مرسوم است (Mitchell, 1993). در این روش هدف یافتن رابطه‌هایی است که معنا را تولید می‌کنند. استعاره‌ها، بسترها و ظرف‌ها، و تضادها از مهم‌ترین این رابطه‌ها است.

در تحلیل نشانه‌شناختی، محقق به دنبال شناسایی لایه‌های پنهان، ابعاد ناشناخته و دلالت‌های خاص و نظام معنایی پشت‌سر نشانه‌ها است. فلدمن (1995) سه نوع شیوه نشانه‌شناختی را در تحقیقات کیفی از یکدیگر تفکیک می‌کند: خوشه‌بندی نشانه‌ای، زنجیره نشانه‌شناختی و مربع‌های نشانه‌شناختی. به گفته مانینگ (1987)، این سه شیوه پرکاربردترین روش تحلیل داده‌های کیفی در حوزه نشانه‌ها در علوم اجتماعی است:

- خوشه‌بندی نشانه‌شناختی: در این شیوه، جدولی با سه ستون به نام‌های «معانی رقیب»، «معانی آشکارشده» و «ملاحظه‌های نهادی» ترسیم می‌شود.

- زنجیره‌های نشانه‌شناختی: در این شیوه نقشه نشانه‌شناختی ارائه می‌شود، مبنی بر این سؤال که چگونه ساختار زیرین در نشانه‌های روزمره ساخته می‌شود. این کار را می‌توان با ترسیم زنجیره دیاگرام‌های معنایی نشانه‌ای انجام داد.

- مربع‌های نشانه‌شناختی: سومین شیوه تحلیل نشانه‌شناختی داده‌های کیفی روش مربع نشانه‌شناختی است که گریماس آن را ابداع کرده است. این شیوه نظامی از قواعد یا گرامر را دربر

1. Thick Description

2. Clifford Geertz

به‌ویژه تحلیل روایتی، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کیفی تأکید دارد. از این رو، تحلیل موقعیتی اصولاً یک شیوه تحلیل چندگانه است. این روش با بهره‌گیری از داده‌های موجود در متون در خصوص موضوع مورد پژوهش و با بررسی مؤلفه‌های انسانی و غیرانسانی، عوامل فردی و جمعی، سازمان‌ها، ساخت‌های گفتمانی و مؤلفه‌های فضایی، زمانی، اقتصادی، سیاسی و نمادین در این موقعیت سعی در به‌دست‌دادن تصویری روشن از این انگاره دارد. برای دستیابی به هدف تحلیل موقعیتی، از نقشه‌های موقعیتی، نقشه‌های جهان‌ها/ عرصه‌های اجتماعی و همچنین نقشه‌های وضعیت به‌منزله قلب روش تحلیل موقعیتی استفاده می‌شود (Feyerabend, 2010).

۱. نقشه‌های موقعیتی: از این نقشه‌ها به‌منزله راهبردهای مفصل‌بندی عناصر موجود در یک موقعیت و بررسی روابط بین آن‌ها استفاده می‌شود. در جدول ۴، نمونه نقشه‌ای در این زمینه ارائه شده است.

۲. نقشه‌های جهان‌ها / عرصه‌های اجتماعی: به‌عنوان نقشه‌نگاری‌های (کار توگرافی) تعهدها، روابط جمعی و مکان‌های کنش به‌کار می‌روند. در شکل ۱۰، نمونه نقشه‌ای در این زمینه ارائه شده است.

جدول ۴: نمونه نقشه موقعیتی (محمدپور، ۱۳۹۳)

عناصر انسانی	عناصر غیر انسانی
کنشگران/ عناصر انسانی فردی مانند فناوری‌ها، زیرساخت‌های مادی، اطلاعات تخصصی یا دانش‌ها، اشیای مادی	کنشگران/ عناصر انسانی فردی مانند افراد کلیدی و اشخاص (سازمان‌نیافته) مهم در موقعیت
کنشگران/ عناصر انسانی جمعی مانند گروه‌های ویژه، سازمان‌های خاص	اکتانت‌های ضمنی/ بی‌صدا یافته‌شده در موقعیت
برساخته‌های گفتمانی کنشگران انسانی جمعی یا فردی یافته‌شده در موقعیت	برساخته‌های گفتمانی اکتانت غیرانسانی یافته‌شده در موقعیت
عناصر اقتصادی/ سیاسی مانند دولت، نهادها، نظام‌های محلی/ منطقه‌ای/ جهانی، احزاب سیاسی، سازمان‌های غیرحکومتی، مسائل سیاسی شده	عناصر اجتماعی/ فرهنگی/ نمادین مانند دین، نژاد، میل جنسی، جنسیت، قومیت، ملیت، لوگوس، شمایل‌ها، دیگر نمادهای بصری و علائم
عناصر زمانی ابعاد تاریخی، فصلی یا ابعاد زمانی	عناصر فضایی مانند فضاها در موقعیت، ابعاد جغرافیایی، مسائل فضایی محلی، منطقه‌ای، ملی، جهانی
مسائل و مباحث عمده (معمولاً موردتوجه) یافته‌شده در موقعیت	گفتمان‌های مرتبط (تاریخی، روایتی/ یا بصری) مانند انتظاراتی از کنشگران، اکتانت‌ها/ دیگر عناصر خاص، عناصر اخلاقی، رسانه‌های ارتباطی و گفتمان‌های دیگر فرهنگ عامه، گفتمان‌های موقعیت - خاص

۸. توصیف ضخیم یک پدیده صرفاً یکی از توصیف‌های محتمل است. بنابراین، توصیف محقق آخرین توصیف نخواهد بود. توصیف‌ها بسته به ضخامت، عمق و ژرف‌نگری ارزیابی می‌شوند.

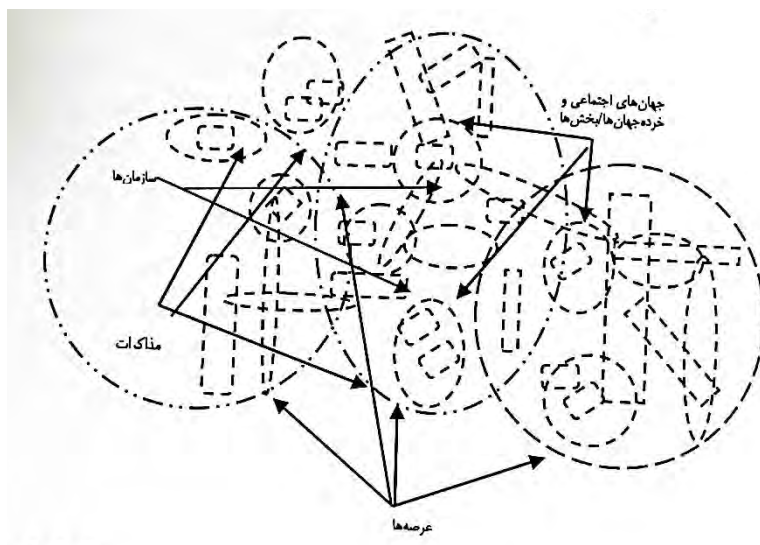
۹. توصیف ضخیم کاری هنری و عمدتاً ادبی است. مهارت‌های هنری و بلاغی محقق باید در سطح بسیار بالایی باشد.

۹-۴. تحلیل موقعیتی^۱

تحلیل موقعیتی یکی از شیوه‌های بسیار جدید برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی، اعم از متنی یا غیرمتنی، است. وجه تمایز این شیوه تحلیل تمرکز بر کاربرد نظریه زمینه‌ای در امتداد با چرخش پسانوگرا (پست‌مدرن) است. به‌عبارت‌دیگر، تحلیل موقعیتی درصدد است نظریه زمینه‌ای را برای موقعیت‌های سیال، شناور، مبهم و چندبعدی پسانوگرا به‌کار گیرد.

طبق تحلیل موقعیتی، موقعیت کنش از ابعاد و عناصر بسیار گوناگون و پیچیده‌ای ترکیب شده است که نظریه زمینه‌ای کلاسیک قادر به درک و بازنمایی آن نیست؛ به این معنا که الگوهای استقرایی - استفهامی برآمده از روش نظریه زمینه‌ای در قالب مدل‌های داده‌محور این قابلیت را ندارند که تنوع و پیچیدگی آن را بازنمایی کنند (محمدپور، ۱۳۸۸).

شیوه تحلیل موقعیتی بر استفاده از دیگر شیوه‌های تحلیل



شکل ۱۰: نمونه نقشه‌های جهان‌ها/ عرصه‌های اجتماعی (محمدپور، ۱۳۹۳)

۳. نقشه‌های وضعیت: به مثابه راهبردهای ساده‌سازی ترسیم وضعیت‌های مفصل‌بندی شده و مفصل‌بندی نشده در گفتمان‌ها به کار می‌روند. در شکل ۱۱، نمونه نقشه‌ای در این زمینه ارائه شده است.



شکل ۱۱: نمونه نقشه‌های وضعیت (محمدپور، ۱۳۹۳)

گفتمان تحولی مهم در تحقیق کیفی است و با این فرض آغاز می‌شود که گفتمان در همه سطوح از گزارش‌های فردی تا گزارش‌های اجتماعی کلان اهمیتی اساسی دارد (Fairclough, 1992)، این روش یکی از پراقبال‌ترین و پرتیرترین روش‌های تحلیل در بین محققان داخل کشور است و توجه خاصی به آن می‌شود. در خلال چند سال اخیر، مطالعات متعددی با این روش صورت گرفته است. در میان مطالعات آغازین می‌توان به مطالعه فاضلی (۱۳۸۷) با عنوان «مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه‌شناسی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، بررسی کاظمی و محسنی آهویی (۱۳۸۷) در زمینه «تبعیض سنی: ارزیابی گفتمان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی»، مطالعه نجاتی حسینی (۱۳۸۶) در خصوص «سیاست‌های دینی و

روش تحلیل موقعیت با لحاظ پیچیدگی‌ها، مؤلفه‌ها و کنشگران گوناگون، توجه به رویکردهای جدید و عاملان ناپیدا و خاموش، و با توجه به موقعیت، به‌منزله واحد تحلیل، مسیری جدید برای پژوهش در موضوع موردبررسی در اختیار قرار می‌دهد.

۴-۱۰. تحلیل گفتمان^۱

در این شیوه تحلیل، توجه به کلمات و جملات و مشخصه‌های زبانی و به عبارتی تمرکز بر شیوه کاربرد زبان است. زبان چطور به کار می‌رود؟ برای چه به کار می‌رود؟ بسترهای کاربرد آن چه هستند؟ این نوع تحلیل را تحلیل گفتمان می‌نامند. تحلیل

1. Discourse Analysis

اجتماعی و سیاسی برنامه‌ریزی می‌شود، بازتولید می‌شود و در برابر آن مقاومت صورت می‌گیرد. فرکلاف (1992) قواعد تحلیل گفتمان انتقادی را چنین خلاصه کرده است: عنوان کردن مسائل اجتماعی روابط قدرت گفتمانی است. گفتمان امری تاریخی است و در رابطه بین متن و جامعه نقش واسطه را ایفا می‌کند. همچنین گفتمان شکلی از کنش اجتماعی است که جامعه و فرهنگ را می‌سازد و کار ایدئولوژیکی انجام می‌دهد. فرکلاف همچنین بر رابطه متقابل بین فرد - گروه، کنش - فرایند، بستر - ساختار اجتماعی و شناخت شخصی و شناخت اجتماعی تأکید دارد.

به‌طورکلی، فعالیت‌های عمده در حین تحلیل گفتمان به‌صورت زیر است (محمدپور، ۱۳۹۲):

۱. هدف‌سازی: بیان کردن هدف از انجام تحلیل گفتمان.
۲. نشانه‌سازی: یافتن سرخ‌های نشانه‌شناختی و موضوعی در متن.
۳. کلمه‌سازی: بررسی کلمه‌های درون متن برحسب عناصر واقعی/ غیرواقعی، محتمل/ قطعی، ممکن/ ناممکن، حاضر/ غایب و مانند آن.
۴. فعالیت‌سازی: پرده‌برداری از فعالیت‌ها و کنش‌های درون متن یا پدیده.
۵. موقعیت‌سازی فرهنگی و اجتماعی: واکاوی موقعیت‌های متفاوت درون متن.
۶. هویت‌سازی و رابطه‌سازی: توجه به نگرش‌ها، هویت‌ها، تعامل‌ها و بسترهای ارتباطی درون متن.
۷. سیاسی‌سازی: در نظر گرفتن ابعادی مانند ایدئولوژی، قدرت، نابرابری، دانش، طبقه، پایگاه، سلطه و... .
۸. اتصال‌سازی: بررسی گذشته، حال، آینده یا زنجیره زمانی عناصر متن یا گفتمان.

۴-۱۱. تحلیل داده‌های مشاهده‌ای^۱

داده‌های مشاهده‌ای نیز همانند داده‌های متنی به شیوه‌های متفاوتی تحلیل می‌شوند. اگرچه داده‌های مشاهده‌ای در انواع روش‌های کیفی به‌کار می‌روند، عمدتاً در رویه‌های تحلیلی تماتیک و مردم‌نگاری انتقادی تحلیل می‌شوند (Travers, 2009). با این حال داده‌های مشاهده‌ای، به‌ویژه داده‌هایی که در خلال کار میدانی و مردم‌نگاری گردآوری می‌شوند، را می‌توان به دو دسته داده‌های مشاهده‌ای متنی شده و داده‌های مشاهده‌ای تصویری تقسیم‌بندی و تحلیل کرد (Bauer and Gaskall, 2003).

فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه ۸۸-۱۳۶۸» و نیز تحقیق سلطانی (۱۳۸۷) با عنوان «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها» اشاره کرد. روش‌شناسان کیفی، به‌ویژه مردم‌نگاران، گفتمان را داده‌های مستند و تحلیل‌های گفتمانی را نیز بخشی از تحلیل‌های کیفی مردم‌نگارانه در نظر می‌گیرند (Wetherell et al., 2003).

اصول اساسی تحلیل گفتمان را چنین برشمرده‌اند:

۱. زبان پدیده‌ای اجتماعی است؛
۲. نه تنها افراد بلکه نهادها و گروه‌بندی‌های اجتماعی نیز دارای دانش و ارزش‌اند که به شیوه‌های منظم در زبان بیان می‌شود؛
۳. متون واحدهای مناسب در زبان ارتباطات‌اند؛
۴. خوانندگان و شنوندگان گیرندگان منفعل متون نیستند؛
۵. شباهت‌هایی بین زبان علم و زبان نهادها و... وجود دارد (Wodak and Meyer, 2001).

همچنین چهار نوع جهت‌گیری در تحلیل گفتمان وجود دارد: زبان مورد استفاده، استفاده‌های زبانی، الگویابی زبانی مرتبط با فعالیتی خاص، و کل ماهیت گفتمان به‌منزله پدیده‌ای سیال و گیرنده‌ای شناور که در آن معنا خلق و به چالش کشیده می‌شود (Watherell et al., 2003).

تحلیل گفتمان پیکره‌ای منسجم از نظریه و روش و عمل نیست، بلکه در درون رشته‌های متفاوت یا سنت‌های گوناگون صورت می‌گیرد. از این دیدگاه، تحلیل گفتمان بیشتر به‌منزله حوزه پژوهش مطرح است تا روش واحد. در این زمینه پژوهشگرانی می‌گویند: گفتمان همه ابعاد یک ارتباط را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی نه تنها محتوای آن، بلکه نویسنده آن (چه کسی می‌گوید؟)، امتداد آن (بر چه زمینه یا زمینه‌هایی؟)، مخاطبان آن (برای چه کسانی؟) و هدف آن (برای دستیابی به چه چیزی؟) را مورد بررسی قرار می‌دهد (Sapsford and Jupp, 1996). بر همین اساس، این نوع تحلیل در روش‌های تحقیق دیگر نیز تحت عناوین تحلیل گفتمان نشانه‌شناختی، تحلیل گفتمان تاریخی، تحلیل گفتمان سیاسی، تحلیل گفتمان حقوقی و تحلیل گفتمان زیستی مطرح شده است (Schiffrin et al., 2003). سنخ‌شناسی دیگری از روش‌های تحلیل گفتمان را فرکلاف، لاکلاو و موفه و وُداک ارائه داده‌اند (Titscher et al., 2005). هریک از این شیوه‌ها طرح‌های تحلیلی ویژه‌ای از تحلیل گفتمان ارائه داده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی، تحلیل گفتمان دارای دو سنخ تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان فوکویی است (Punch, 2004).

تحلیل گفتمان انتقادی نوعی از تحلیل گفتمان است که در وهله نخست به مطالعه شیوه‌هایی می‌پردازد که در آن سوءاستفاده از قدرت، سلطه و نابرابری به‌وسیله متن و گفت‌وگو در بستر

به اشکال زیر در تحلیل‌های کیفی به کار گرفت (Phillippi and Lauderdale, 2018):

۱. توصیف: داده‌های تصویری این قابلیت را دارند که یک یا چند بعد از رویداد یا موقعیت را چنان توصیف کنند که امکان آن با داده‌های متنی صرف وجود نداشته باشد.
۲. تکمیل: داده‌های تصویری را می‌توان برای تکمیل داده‌های متنی به کار برد.
۳. تأیید: از داده‌های تصویری می‌توان برای تأیید مفاهیم، مقولات/ تم‌ها، سنخ‌بندی‌ها و نیز استدلال‌های تحلیلی مبتنی بر آن استفاده کرد.
۴. توسعه: از داده‌های تصویری می‌توان برای بسط استدلال، توصیف و درک ارائه‌شده در تحلیل‌های کیفی استفاده کرد.
۵. استناد: داده‌های تصویری را می‌توان به‌منزله اسناد متممی - مکملی در درون داده‌های متنی به کار برد. از آنجاکه یکی از مشکلات اصلی و عمدتاً مغفول‌مانده در تمامی انواع روش‌های کیفی مبحث کدگذاری است، در ادامه به نکات کاربردی اختصاری از شیوه کدگذاری در روش‌های کیفی اشاره می‌شود که به‌نوعی پایه‌ای‌ترین مفهوم در تحلیل داده‌های کیفی است.

۵. کدگذاری در روش‌های کیفی

کد چیست؟ کلمه یا عبارتی کوتاه است که به شکلی نمادین ویژگی برجسته و خلاصه‌ای را نشان می‌دهد و دربرگیرنده ذات یک چیز و یادآور بخشی از مصاحبه، یادداشت‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و... است. تفاوت نشانه‌شناسی و تحقیق کیفی در این است که در نشانه‌شناسی محقق به دنبال یافتن نمادها در یک بافت اجتماعی است، اما در تحقیق کیفی محقق به دنبال سازه‌ای محقق ساخته است که با نمادی مشخص می‌شود. کدگذاری حالتی اکتشافی دارد و عبارت است از تنظیم کردن چیزهایی در قالبی نظام‌مند و تبدیل چیزهایی به بخشی از یک مقوله‌بندی (سالدنا، ۱۳۹۵). سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه چیزهایی کدگذاری می‌شوند. جدول ۵ دربردارنده نمونه مواردی است که کدگذاری می‌شوند.

جدول ۵: نمونه مواردی که کدگذاری می‌شوند (سالدنا، ۱۳۹۵)

شیوه‌های مرسوم فرهنگی: کارهای روزمره، وظایف حرفه‌ای و...	سازمان‌ها: مدارس، غذاخوری‌ها، زندان، شرکت و...
گروه‌ها: دسته‌ها، احزاب، تیم‌ها و صنف‌ها و...	سکونت‌گاه‌ها: شهر، روستا، بیابان، آپارتمان و...
رودرویی‌ها: تعامل میان دو فرد یا چندین فرد، معامله، تکیه، زدو خورد و...	خرده‌فرهنگ‌ها: بی‌خانمان‌ها، اراذل و...
نقش‌ها: دانش‌آموز، مصرف‌کننده و...	معانی و جنبه‌های شناختی: ایدئولوژی‌ها، قوانین و...
گونه‌های اجتماعی: قلدر، خسیس، تنبل و...	جنبه‌های عاطفی: همدردی، رفتارهای خشن و...
رابطه‌های اجتماعی: زن و شوهر، افرادی که باهم به مهمانی می‌روند و...	سلسله‌مراتب: نابرابری‌های نژادی، دسته‌بندی بین دانش‌آموزان

الف) داده‌های مشاهده‌ای متنی شده: این داده‌ها یادداشت‌ها و ثبت‌های محقق از ابعاد پدیده یا میدان تحت مطالعه را دربر می‌گیرد. این نوع داده‌ها را از طریق شیوه یادداشت‌برداری یا نکته‌برداری می‌توان تولید کرد. یادداشت‌های میدانی شامل یادداشت‌های پراکنده، یادداشت‌های مشاهده‌ای مستقیم و یادداشت‌های استنباطی محقق است. یادداشت‌های پراکنده در حین گردآوری داده‌ها و به‌صورت پراکنده نوشته می‌شود. این نوع یادداشت‌ها مربوط به حافظه کوتاه‌مدت و موقتی محقق است و معمولاً در قالب کلمات یا عبارات کوتاه و گاه نامرتب به نگارش درمی‌آید. یادداشت‌های مشاهده‌ای مستقیم همه جزئیات و مشخصه‌های آنچه محقق در میدان تحقیق می‌بیند و می‌شنود را دربر می‌گیرد. همچنین این یادداشت‌ها به‌منزله دست‌نوشته‌هایی است که بعداً می‌توان تفاسیر متعددی از آن ارائه کرد. یادداشت‌های استنباطی محقق حاصل درک و مقایسه آن چیزی است که محقق می‌شنود و می‌بیند. هر سه نوع این یادداشت‌ها حاصل مشاهدات محقق در میدان بررسی است و در حین مشاهده صورت می‌گیرد (Newman, 2006).

ب) داده‌های مشاهده‌ای تصویری: این نوع داده‌ها تصاویر و فیلم‌ها، کروکی‌ها و داده‌های بصری دیگری را دربر دارد که محقق در میدان تحقیق گردآوری می‌کند. داده‌های تصویری را می‌توان به دو شیوه کدبندی درون تصویری و کدبندی بین تصویری دسته‌بندی و تحلیل کرد. کدبندی درون تصویری عبارت است از استخراج معانی و مفاهیم درون یک تصویر یا یک فیلم با کدبندی فضای درونی تصویر یا عکس. بدین ترتیب که فضا، پدیده‌ها، رویدادها و معانی درون تصویر به‌مثابه متن کدگذاری و سپس دسته‌بندی و مقوله‌بندی می‌شوند (Newman, 2006). کدبندی بین تصویری یعنی کدبندی هر تصویر به‌منزله دربردارنده یک موضوع عمده کدبندی شده که همراه با زنجیره‌ای از تصاویر دیگر به فهم پدیده یا موضوع تحت مطالعه یا میدان مطالعه کمک می‌کند. در این شیوه، روایت تصویری یک جریان یا برخی ابعاد موضوع تحت مطالعه ارائه می‌شود. علاوه بر این‌ها، برداشت تصویری واحد نیز وجود دارد که در آن می‌توان از تصاویر خاصی متناسب با موضوع موردبررسی در موقعیت‌های متنی خاص استفاده کرد. به‌طورکلی، داده‌های مشاهده‌ای تصویری را می‌توان

- تقسیم پاراگراف‌ها به واحدهای جداگانه.
- کدگذاری مقدماتی: دایره‌کشیدن، هایلایت کردن واژگان و عبارات مهم.
- یادداشت‌های اولیه: هم‌زمان با کدگذاری آغاز می‌شود و صرفاً در تحلیل به کار می‌رود.
- کدگذاری مقایسه‌ای: مقایسه چندین کد با هم تا رسیدن به نظریه.
- تجمیع یا تجزیه داده‌ها: در مرحله تجمیع کلی نویسی می‌شود تا بعدها امکان استفاده بیشتر داشته باشد؛ به عبارت دیگر، به جوهر متن اشاره دارد. در مرحله تجزیه نیز، از همان ابتدا تقسیم‌بندی‌ها انجام می‌شود؛ به عبارتی به واریسی دقیق عبارات و کنش‌ها اشاره دارد (سالدنا، ۱۳۹۵).
- در جدول ۶، انواع روش‌های کدگذاری اولیه ارائه شده است.
- آرایش داده‌ها: اختصاص دوسوم صفحه از راست به متن که با فاصله نوشته شده باشد و قسمت چپ برای کدگذاری آماده باشد.

جدول ۶: انواع روش‌های کدگذاری اولیه (سالدنا، ۱۳۹۵)

نام	تشریح	کاربرد	نمونه
دستور زبانی	انتسابی	متعددبودن مشارکت‌کنندگان	نام، سطح تحصیلات، جنس، قوم، مذهب
	میزان‌یاب	نشان‌دهنده شدن/ جهت	قویاً/ معمولاً/ تاحدی/ اصلاً/ ضعیف و...
	فرعی	افزودن غنا بر کد اولیه	خانه‌ها: تزئینات خانه، خرابی‌های خانه: امنیت
	هم‌زمان	اختصاص چند کد به یک داده کیفی	بی‌عدالتی یا کاغذبازی، تبلیغ کردن یا تهییج کردن
مؤلفه‌ای	ساختاری	واژه‌ای به‌عنوان نماینده تحقیق انتخاب شود.	شیوه‌های ناموفق ترک سیگار به متنی بیست خطی منتسب می‌شود.
	توصیفی	توصیف موضوعات و نه محتواها: چیزی که درباره آن حرف زده می‌شود	ساختمان/ گرافیت/ مشاغل: متن به‌وضوح درباره سازه‌های ساختمانی است.
	زنده	اصطلاحات خودمانی ساخته مشارکت‌کنندگان	مدرسه لعنتی/ خوش نیامدن/ یه جواری عجیب بودن/ دوست باحال
	فرایندی	استفاده از مصدر کنش مشاهده‌شده و مفهومی عمده‌تر	مطالعه کنش‌ها و فعالیت‌ها
	بدوی	شکستن داده‌های کیفی به بخش‌هایی مجزا	داده‌بنیاد
عاطفی	حسی	کدشدن احساسات و تجربه‌ها	سردرگمی/ آلودگی/ رؤیایی/ گریستن
	ارزشی	کدزدن ارزش‌ها، نگرش‌ها (چیزهای مهم برای فرد)	دانشگاه ترسناک است. تناثر عالی است. پشتکار مایه موفقیت است.
	مخالف	کدزدن گروه‌های مخالف در قالب دو بخش	غیرممکن در برابر واقع‌گرایان/ یکسانی در برابر تفاوت‌ها

نام	تشریح	کاربرد	نمونه
ارزیابی	کدهای غیرکمی درباره اهمیت یا داوری چیزی	اقدام پژوهی/ سازمانی/ ارزیابی	مراسم عبادی: خسته‌کننده؛ راه‌حل: کوتاه‌تر موسیقی ابتدایی: گوش خراش؛ راه‌حل: ملایم نواختن
نمایشی	نوشتن کد به شیوه طبیعت‌گرایانه و نمایشی	کشف تجربه درون فردی	طعنه‌آمیز/ استیصال/ تحمل نکردن
بن‌مایه	استفاده از کدهای اسطوره‌ای برای داده‌ها (برچسب‌زدن)	کشف تجربه درون فردی	پدر - پسر (اشاره به تثلیث)/ پدر بیدادگر
روایی	کدگذاری به صورت داستان و ژانر	کشف تجربه درون فردی	بروزدادن تمامی حرکات و سکنت‌ها همچون فیلم‌نامه‌نویس و روایتگر بودن
تبادل کلامی	تعیین ژانر و نوشتن داستان با استفاده از تحلیل کلمه‌به‌کلمه	کشف تجربه درون فردی	آوردن کدگذاری بعد از متن و تفسیرکردن و ژانریابی آن
کل‌نگر	نگاه به متن به صورت یک کل	تازه‌کارها	نوشتن کلیت متن به صورت یک عبارت
موقت	حدس‌زدن کدها قبل از مصاحبه با استفاده از ادبیات پژوهشی	بر پایه پژوهش‌های قبلی، ۱۲ تا ۶۰ کد	-
فرضیه‌ای	آزمودن کدها به مثاب فرضیه	تحلیل محتوا و گردآوری بر مبنای ادبیات پژوهشی	-
دستورالعملی	یافتن کد بر اساس استانداردها	علوم دارای کد از پیش ساخته‌شده	-
فهرست مواد فرهنگی	بر اساس کدهای استاندارد دانشگاه بیل	مطالعات مردم‌نگارانه و هنر بومی و...	-
رده‌بندی	کشف رفتارهای سازمان‌دهی شده و رویه‌ای مردم و چیزهای خاص	مطالعات مردم‌نگارانه و هنر بومی و...	دسته‌بندی رفتار به کلامی و جسمانی
علی	کد نسبت به علت‌ها؛ بهره‌بردن از چرایی در کد	پدیدارشناختی/ شناخت باورها	آموزش سخنرانی منجر به اعتمادبه‌نفس و ورود به دانشگاه
مضمون‌بندی داده‌ها	تشریح با عباراتی مضمونی	پدیدارشناختی/ شناخت باورها	تعلق داشتن به جایی با وجود حضور نداشتن در آنجا

نتیجه‌گیری

مطالعات روش‌شناسی و همکاری علمی از دید صبغه پژوهش، در سال‌های اخیر، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. تحقیقات کیفی از آن جهت حائز اهمیت است که به سؤالات پژوهشی چگونه و چرا پاسخ می‌دهد و درک عمیق‌تر از تجارب، پدیده‌ها و زمینه‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. ضمن اینکه در بسیاری از مطالعاتی که پیچیدگی زیادی دارند، طراحی تحقیق کمی بسیار مشکل یا غیرممکن است؛ در این وضعیت، استفاده از روش تحقیق کیفی گزینه‌ای مناسب است (Cleland, 2017). اما به نظر می‌رسد پژوهشگران تحلیل روش‌شناسی کیفی به خوبی روش کمی با آن آشنایی ندارند.

رویه‌ها و مدل‌های تحلیل داده‌های کیفی از همان گستردگی، تنوع، پیچیدگی و تعدد روش‌های کیفی برخوردار است و به‌نوبه خود ادبیات گسترده‌ای را دربر می‌گیرد. همان‌طور که دسته‌بندی‌ها و طرح‌های متفاوتی از روش‌های تحقیق کیفی پیشنهاد شده، به همان میزان نیز رویه‌های تحلیلی متنوعی برای تحلیل داده‌های کیفی ارائه شده است. علاوه بر این، برخی از این رویه‌های تحلیلی مورد بحث در این نوشتار، به استثنای روش تماتیک، خود نوعی روش تحقیق مستقل به‌شمار می‌روند (محمدپور، ۱۳۸۸).

از این رو، ارائه شرحی تفصیلی و تا حد امکان همه‌جانبه از رویه‌ها و مدل‌های تحلیل داده‌های کیفی کاری بس دشوار و پیچیده است. نکته دیگر در دشواری تحلیل داده‌های کیفی، طیف گسترده این داده‌های به‌ظاهر یکنواخت است. دسته‌بندی‌های گوناگونی از داده‌های کیفی صورت گرفته که مطرح کردن آن با روش‌های متعارف تحلیلی مذکور در این مقاله امکان‌پذیر نیست. برای

جدول ۷: شیوه‌های عمده تحلیل داده‌های کیفی (خلاصه)

بعد	درک داده	نوع داده	واحد تحلیل	شیوه بازنمایی	ارزیابی اعتبار	پدیده موردنظر	خاستگاه رشته‌ای نوع داده	تحلیل داده
تحلیل تماتیک	امر موضوعی	مشاهده‌ای، متنی	سطر، جمله، پاراگراف، صفحه	ارائه روایت‌گونه، جدول‌ها و طرح‌های مستدل	عمدتاً زاویه‌بندی	میدان‌های متنی - مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای	مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی تفسیری	تفسیر و معنادار کردن یافته‌ها
نظریه زمینه‌ای	نظریه‌ای مکتون	مشاهده‌ای، متنی	سطر، جمله، پاراگراف، صفحه	توصیف ضخیم، ارائه الگوی تصویری، ارائه قضایای تئوریک	عمدتاً اعتبار پاسخ‌گو	میدان‌های متنی - مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای	جامعه‌شناسی	کدگذاری گزینشی، خط داستان، ارائه ماتریس شرایطی
تحلیل روایتی	روایت	مشاهده‌ای، متنی	کلمه، سطر، جمله	ارائه روایاتی مبتنی بر فرایندها، طرح‌های یکتا و خاص زندگی	عمدتاً اعتبار پاسخ‌گو	میدان‌های متنی - مصاحبه‌ای	جامعه‌شناسی	یافتن الگوها و معانی
تحلیل محتوای کیفی	معنا	مشاهده‌ای، متنی	کلمه، جمله	گزارش‌های متنی توصیفی شامل جدول، عدد و...	عمدتاً زاویه‌بندی	میدان‌های متنی - مصاحبه‌ای	جامعه‌شناسی روان‌شناسی	یافتن محتوای درون‌متنی
تحلیل مکالمه	امر تعاملی	متنی	کلمه، جمله	الگوهای گفتاری درون‌متنی، طبقه‌بندی سنخ‌های گفتار در تعامل	اعتبار پاسخ‌گو	میدان‌های مصاحبه‌ای	جامعه‌شناسی روان‌شناسی	یافتن واحدهای گفتاری و معانی الصاق‌شده
تحلیل پدیدارشناختی	تجربه	متنی	کلمه، جمله، تجربه	روایت جوهری تجربه، جدول عبارتی و معنایی	اعتبار پاسخ‌گو	میدان‌های تجربه‌ای	فلسفه	توصیف متنی، ساختاری و کلی
تحلیل نشانه‌شناختی	نشانه	مشاهده‌ای، متنی	کلمه، عدد، نماد، نشانه	ارائه الگوها و دیگرام‌های نشانه‌شناختی و موقعیت‌یابی و بازنمایی نشانه‌ها در جداول	زاویه‌بندی، قابلیت اعتماد	میدان‌های متنی، تجربه‌ای و نشانه‌شناختی	زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی	یافتن نشانه‌ها، خوشه‌ها و میدان‌های نشانه‌ای
توصیف ضخیم	پیوند میان تفسیر و تبیین	مشاهده‌ای، متنی	کلمه، عدد، نماد، نشانه	گزارش‌های متنی	اعتبار پاسخ‌گو، قابلیت اعتماد	میدان‌های متنی، تجربه‌ای و نشانه‌شناختی	مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی	توصیف جزئیات
تحلیل موقعیتی	نظریه‌ای با رویکرد پسانوگرا	مشاهده‌ای، متنی	جمله، سطر، پاراگراف	گزارش‌های متنی شامل جدول، دیگرام، کارتوگرافی	عمدتاً قابلیت اعتماد	میدان‌های متنی و مصاحبه‌ای و مشاهده‌ای	جامعه‌شناسی	تحلیل پدیده‌های اجتماعی شامل متنی یا غیرمتنی
تحلیل گفتمان	نقد	مشاهده‌ای، متنی	کلمه، سطر، جمله	عبارات مفصل‌بندی‌شده و تقطیع‌شده، ارائه‌های جدولی و دیگرامی	عمدتاً قابلیت اعتماد	میدان‌های متنی	زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی	یافتن مجاری، منابع و فرایندهای قدرت
تحلیل مشاهده‌ای	بصری	مشاهده‌ای	تصویر، اپیزود، سکانس	گزارش‌های متنی تصویری	عمدتاً قابلیت اعتماد	میدان‌های مشاهده‌ای	مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی	تحلیل داده‌های مشاهده‌ای متنی شده و تصویری

تحلیل معرفی شده، به آسیب‌شناسی روش تحقیق و تحلیل یافته‌های آن در مجموعه‌ای از پژوهش‌های داخلی رشته‌ای خاص بپردازند.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان.
- اعرابی، سیده‌محمد و دهقان، نبی‌الله (۱۳۹۰). «تبیین روش‌شناسی مناسب در کنترل استراتژیک». روش‌شناسی علوم انسانی، سال هفدهم، شماره ۶۶، ص ۷-۲۶.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۷). «اعتبارسنجی و سنجش کیفیت در پژوهش‌های کمی، کیفی و آمیخته». روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۲۴، شماره ۹۴، ص ۲۳-۴۵.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیقی کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی و محمدپور، احمد (۱۳۸۳). «فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران: مطالعه موردی شهرستان سردشت». نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره ۵، ص ۱۱-۳۹.
- بحیرایی، مجتبی، محمدروضه‌سرا، مریم، جعفری، روح‌الله (۱۳۹۵). «شناسایی حوزه‌های آینده استانداردسازی: روش‌شناسی و تجربیات عملی». مدیریت استاندارد و کیفیت، سال ششم، شماره ۱، ص ۷-۲۹.
- تبریزی، منصور (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- توفان، الهه (۱۳۸۵). «تحلیل نشانه‌شناختی شب و روز، اثر پن رز». فصلنامه هنر، شماره ۱۹، ص ۱۳۲.
- حاجی‌پور، بهمن، مؤتمنی، علیرضا و طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین (۱۳۹۵). «فرا ترکیب عوامل موفقیت تجاری‌سازی محصولات با فناوری پیشرفته». مدیریت نوآوری، دوره ۵، شماره ۴، ص ۱۹-۵۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱). روش تحقیق (با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی). تهران: انتشارات فوژان، چاپ سوم.
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۳). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار، چاپ نهم.
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد». اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۱، شماره ۲، ص ۶۹-۹۷.
- دلاور، علی (۱۳۸۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد، چاپ پنجم.

مثال، تحلیل داده‌های مرتبط با بویایی و گفتاری یکی از این انواع است. به‌علاوه، هر نوع خاص از داده‌های کیفی مستلزم استفاده از یک یا چند رویه تحلیلی خاص است (کلینی مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). در موارد بسیاری ممکن است محقق هم‌زمان چندین نوع داده کیفی در یک مطالعه داشته باشد. در چنین شرایطی، استفاده از چند رویه تحلیلی مرتبط پیشنهاد می‌شود. باوجود این، برخی از این رویه‌ها به‌علت هم‌گرایی، واگرایی و یا تداخل تحلیلی محقق را دچار مشکل می‌سازند.

روش‌های متعددی برای تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد که روش تحلیل مردم‌نگارانه کلاسیک متعارف‌ترین شکل آن است و به سایر روش‌ها کمتر پرداخته شده است. در این مقاله یازده روش جامع و استاندارد تحلیل داده‌های کیفی و فنون مرتبط با آن به‌صورت خلاصه و کاربردی مطرح شده است. در جدول ۷، خلاصه روش‌های تحلیل مطرح‌شده در مقاله ارائه شده است.

پژوهشگران می‌توانند هر یک از رویه‌های مذکور یا برخی از آن‌ها را به‌طور هم‌زمان و ترکیبی به‌کار برند. برای مثال، چنانچه در پژوهش داده‌ها از نوع متنی یا نشانه‌ای یا تصویری باشند، می‌توان یکی از این رویه‌ها یا برخی از آن‌ها را به‌کار برد، مشروط بر اینکه با طرح عمومی مسئله، هدف‌ها و سؤالات تحقیق، رویکرد نظری مورد استفاده یا ابعاد دیگر طرح هماهنگ و هم‌ساز باشد. برای نمونه، وقتی هدف یک تحقیق کیفی توصیف و تفسیر است و نقد و واکاوی انتقادی نیست، محقق نمی‌تواند از تحلیل گفتمان انتقادی یا مردم‌نگاری انتقادی استفاده کند. در مقابل، چنانچه هدف طرح و سؤالات تحقیق در راستای افشای معانی و نشانه‌های پنهان در پدیده تحت مطالعه باشد، استفاده از رویه تحلیلی نشانه‌شناختی توصیه می‌شود.

از آنجاکه یکی از مسائل اصلی و عمده‌تأ مغفول‌مانده در تمامی انواع روش‌های کیفی مبحث کدگذاری است، نکات کاربردی مختصری از شیوه کدگذاری در روش‌های کیفی در انتهای مقاله ارائه شده است.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: در این پژوهش تلاش شده تا حد امکان رویکردی مقایسه‌ای در هر روش ایجاد شود، اما در برخی روش‌ها چنین فرصتی ایجاد نشده است. همچنین، به‌علت محدودیت تعداد صفحات مقاله برای انتشار، حجم مطالب درباره هر روش تحلیل کافی نیست و پیوستگی میان بخش‌ها کمی محدود شده است. درضمن، ممکن است روش‌های تحلیل جدیدتری نیز وجود داشته باشد که در این مقاله بدان اشاره نشده است.

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران روش‌های جدیدتر کیفی را بررسی و معرفی کنند و با توجه به چالش‌های مربوط به روش تحقیق کیفی که در بخش ادبیات پژوهش اشاره شد، راه‌حلی‌هایی نوآورانه در این شیوه ارائه دهند. همچنین، با توجه به روش‌های

- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۷). «روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال‌نگارانه». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۸، ص ۶۹-۹۸.
- راوودراد، اعظم (۱۳۸۶). «سینمای دینی ایران؛ مقایسه کویبر و قدمگاه»، نامه صادق، سال چهاردهم، شماره ۳۲، ص ۷۹.
- سالدنا، جانی (۱۳۹۵). «راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی». ترجمه عبدالله گیویان. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۵). روش تحقیق: روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها». فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۶۵.
- سعیدی، محبوبه (۱۳۸۷). «تحلیل نشانه‌شناختی یک نگاره گذر فریدون از ارونند». کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۶، ص ۵۴.
- صادقی فسائی، سهیلا و ناصری‌راد، محسن (۱۳۹۱). «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش». مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، ص ۷۸-۹۸.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین». اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- عبداللہیان، حمید (۱۳۸۵). «روایت‌شناسی: موارد خاصی از بازاندیشی خویش‌زنانه در ایران». نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ص ۵۷.
- عزیزی، شهریار (۱۳۹۵). روش پژوهش در مدیریت با تأکید بر مثال‌های کاربردی و آماری. تهران: انتشارات سمت.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). «مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه‌شناسی به گفتمان‌های مسجد در ایران». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۸، ص ۹۹-۱۳۲.
- فاضلی، نصرالله (۱۳۷۶). «آموزش، تحقیق و ترویج تحلیل محتوای نامه علوم اجتماعی». نمایه پژوهش، سال اول، شماره ۲، ص ۹۹-۱۱۴.
- قاندی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی». روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دوره ۷، شماره ۲۳، ص ۵۸-۸۲.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶). «بررسی صحت و سقم کلیشه‌های منفی زنان در سازمان‌ها». پژوهش زنان، سال پنجم، شماره ۳، ص ۱۴۱-۱۶۸.
- کاظمی، عباس و محسنی‌آهویی، ابراهیم (۱۳۸۷). «تبعیض سنی: ارزیابی گفتمان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی». نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، سال شانزدهم، شماره ۳۳، ص ۲۳.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۶). «روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی». سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، ص ۷۲۱-۷۳۶.
- گلینی مقدم، گلنسا، مؤمنی، عصمت، ستارزاده، اصغر (۱۳۹۳). «تیپ‌شناسی و روش تحقیق مطالعات همکاری علمی در ایران». رهیافت، شماره ۵۷، ص ۵۵-۶۶.
- مبینی دهرکدی، علی (۱۳۹۰). «معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته». راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۶۰، ص ۲۱۷-۲۳۴.
- موسوی لری، اشرف‌السادات و بخارایی، بهاره (۱۳۸۷). «کاربرد نمادهای گیاهی در طراحی نشانه‌های معاصر ایران». هنرهای زیبا، شماره ۳۷، ص ۱۱۱.
- مهربان مرضیه، عادل، آشوری، الهه، مولادوست، اعظم و آقایی، صدیقه (۱۳۸۷). «تجارب روانی بیماران دارای استوما (کلستومی)». یک مطالعه پدیدارشناسی». تحقیقات علوم رفتاری، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۲۷.
- محمدرپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد دوم. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- محمدرپور، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها». مجله انسان‌شناسی، دوره دوم، سال یکم، شماره پیاپی ۱۰، ص ۱۲۷-۱۶۰.
- نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۶). «سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه (۸۸-۱۳۶۸)». نامه صادق، سال چهاردهم، شماره ۳۲، ص ۴۷.
- یمانی، نیکو، نصر، احمدرضا و منجمی، امیرحسین (۱۳۸۶). «تحلیل داده‌های پژوهش‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزار». آموزش در علم پزشکی، دوره ۷، شماره ۲، ص ۴۲۳-۴۳۶.
- Aspers, P. and Corte, U. (2019). "What is Qualitative in Qualitative Research". *Qualitative Sociology*, 42(2), pp. 139-160.
- Bauer, M. and Gaskall, G. (2003). *Qualitative Researching With Text, Image and Sound: a Practical Handbook*. London: Sage Publications Ltd.
- Blaikie, N. (2007). *Approaches to Social Inquiry*. London: Polity Press.
- Berg, B. (2006). *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*. New York: Allyn and Becon.
- Brown, A. P. (2010). "Qualitative Method and Compromise in Applied Social Research". *Qualitative Research*, 10(2), pp. 229-248.
- Carter, S. M. and Little, M. (2007). "Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action: Epistemologies, methodologies, and methods in qualitative research". *Qualitative Health Research*, 17, pp. 1316-1328.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative*

- Analysis. London: Sage Publications.
- Clarke, A. (2005). *Situational Analysis-Grounded Theory After the Postmodern Turn*. Thousand Oaks, California: Sage Publications.
- Clarke, V. and Braun, V. (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology". *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 123-140.
- Cleland, J. A. (2017). "The Qualitative Orientation in Medical Education Research". *Korean Journal of Medical Education*, 29(2), pp. 61-71.
- Corbin, J. and Staruss, A. (2007). *Basics of Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications.
- Creswell, J. (1998). *Qualitative Inquiry and Research Design: chossing Among Five Tradition*. London: Sage Publication Ltd.
- Creswell, J. W. and Miller, D. L. (2000). "Determining Validity in Qualitative Inquiry". *Theory into Practice*, 39, pp. 124-130.
- Cristancho, S. M., Goldszmidt, M., Lingard, L. and Watling, C. (2018). "Qualitative Research Essentials for Medical Education". *Singapore Medical Journal*, 59(12), pp. 622-627.
- Crow, G. (2012). "Methodological Challenges for the 21st Century". Presentation at the University of Sheffield. Available at: http://www.sheffield.ac.uk/polopoly_fs/1.172803!/file/1120crow.pdf
- Denzin, N. and Lincoln, Y. (Eds.) (2000). *Handbook of Qualitative Research*. London: Sage Publication Inc.
- Depoy, E. and Gitlin, L., (2005). *Introduction to Research: Understanding and Applying Multiple Strategies*. Third Edition. Mosby Press.
- Dickson-Swift, V., James, E. L., Kippen, S. and Liamputtong, P. (2007). "Doing Sensitive Research: What challenges do qualitative researchers face". *Qualitative Research*, 7(3), pp. 327-353.
- Dixon-Woods, M. (2007). "Appraising Qualitative Research for Inclusion in Systematic Reviews: A quantitative and qualitative comparison of three methods". *Journal of Health Services Research & Policy*, 12(1), pp. 42-47.
- Edwards, R. and Brannelly, T. (2017). "Approaches to Democratising Qualitative Research Methods". *Qualitative Research*, 17(3), pp. 271-277.
- Esterberg, K. G. (2002). *Qualitative Research Methods and Process*. Second Edition. London: Open University Press.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. London: Polity press.
- Feldman, M. S. (1995). *Startegies for Interpreting Qualiataive Data*. London: Sage Publications Ltd.
- Feyerabend, P. (2010). *Against Method. Fourth Edition*. Verso Books.
- FitzPatrick, B. (2019). "Validity in Qualitative Health Education Research". *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 11(2), pp. 211-217.
- Gabrium, J. F. (1998). *Analyzing Field Reality*. London: Sage Publications Ltd.
- Glaser, B. (1978). *Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded*. Sociology Press.
- Glaser, B. (1998). *Doing Grounded Theory: Issue and Discussions*. Sociology press.
- Goldkuhl, G. and Cronholm, S. (2010). "Adding Theoretical Grounding to Grounded Theory: Toward Multi-Grounded Theory". *International Journal of Qualitative Methods*, 9(2), pp. 187-205.
- Hanson, J. L., Balmer, D. F. and Giardino, A. P. (2011). "Qualitative Research Methods for Medical Educators". *Academic Pediatrics*, 11(5), pp. 375-386.
- Hoeber, L. and Shaw, S. (2017). "Contemporary Qualitative Research Methods in Sport Management". *Sport Management Review*, 20(1), pp. 4-7.
- Lofland, J., Snow, D. A., Anderson, L. and Lofland, L. H. (2005). *Analyzing Social Settings: A Guide to Qualitative Observation and Analysis*. Belmont, CA: Wadsworth.
- Martínez-Salgado, C. (2012). "Sampling in Qualitative Research: Basic principles and some controversies". *Ciência & Saúde Coletiva*, 17(3), pp. 613-9.

- Manning, P. K. (1987). *Semiotics and Fieldwork*. London: Sage Publications Ltd.
- Maxwell, J. (2004). *Qualitative Research Design: An Interactive Approach*. Second Edition. London: Sage Publications.
- Mills, M. B. and Huberman, M. (1994). *Qualitative Data Analysis: Sourcebook of New Methods*. London: Sage Publications Ltd.
- Mitchell, R. (1993). *Scarcy and Fieldwork*. London: Sage Publications Ltd.
- Moen, Kåre and Middelthon, Anne-Lise Orvin (2015). "Qualitative Research Methods". In Petter, Laake, Haakon, Breien Benestad and Bjørn, Reino Olsen (ed.). *Research in Medical and Biological Sciences: From Planning and Preparation of Grant Application and Publication*. Academic Press. Chapter 10. pp. 321-378.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological Research Methods*. First Edition. London: Sage Publications.
- Neondorf, K. A. (2016). *The Content Analysis Guidebook*. Second edition. London: Sage Pub.
- Newman, L. (2007). *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*. Second Edition. United States: Allyn & Bacon.
- Newman, L. (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*. Third Edition. London: Allyn and Bacon.
- Ozalpman, D. (2018). "Book Review: Vivienne Waller, Karen Farquharson and Deborah Dempsey, Qualitative Social Research Contemporary Methods for the Digital Age". *Qualitative Research*, 19(3), 356-357.
- Phillippi, J. and Lauderdale, J. (2018). "A Guide to Field Notes for Qualitative Research: Context and conversation". *Qualitative Health Research*, 28(3), pp. 381-388.
- Punch, Keith (2004). *Introduction to Social Research: Quantitative and Qualitative Approaches*. London: Sage Publications Ltd.
- Reeves, S., Albert, M., Kuper, A. and Hodges, B. D. (2008). "Why Use Theories in Qualitative Research". *British Medical Journal*, 337, p. a949.
- Saunders, M., Lewis, P. and Thornhill, A. (2009). *Research Methods for Business Students*. Fifth edition. Harlow: Pearson Education.
- Sapsford, R. and Jupp, V. (1996). *Data Collection and Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Schiffrin, D., Tannen, D. and Hamilton, H. E (2005). *The Handbook of Discourse Analysis*. Blackwell Publishing.
- Shank, G. (2006). *Qualitative Research: A Personal Skills Approach*. Pearson, Merrill Prentice-Hall.
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.
- Tavakol, S., Dennick, R. and Tavakol, M. (2012). "Medical Students' Understanding of Empathy: A phenomenological study". *Medical Education*, 46, pp. 306-316.
- Titscher, S., Meyer, M., Wodak, R. and Vetter, E. (2000). *Methods of Text and Discourse Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Travers, M. (2009). "New Methods, Old Problems: A sceptical view of innovation in qualitative research". *Qualitative Research*, 9(2), pp. 161-179.
- Wetherell, M, Taylor, S. and Yates, S. J. (2003). *Discourse As Data: A Guide for Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Wiles, R., Crow, G. and Pain, H. (2011). "Innovation in Qualitative Research Methods: A narrative review". *Qualitative Research*, 11(5), pp. 587-604.
- Wodak, R. and Meyer, M. (2001). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
- Wolcott, H. (2005). *The Art of Fieldwork*. Second Edition. AltaMira Press.
- Wolcott, H. (2008). *Writing Up Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications Ltd.
- Wortham, S. (2001). *Narratives in Action: A Strategy for Research and Analysis*. London: Sage Publications Ltd.

Introduction to Research Methodology: Standard procedures for qualitative data analysis

Amirhossein Tayebi Abolhasani¹

Abstract

The emergence and development of qualitative methodology over the past few years in the social and human sciences community of Iran has been the subject of controversy in theory and practice in a number of ways. The increasing attention to and increasing the use of quality methods in the academic community of the country not only requires familiarization with this methodology and how it is designed and implemented, but also requires familiarization with the analytical procedures of these methods and their use. But these standard procedures are rarely introduced as an applied article. The purpose of this paper is to introduce standard procedures for analyzing qualitative data and related techniques in a brief and practical way. So, with the help of library resources research methodology, 11 comprehensive methods of this field have been examined. These include: Ethnographic Thematic Analysis, Grounded Theory, Narrative Analysis, Phenomenological Analysis, Qualitative Content Analysis, Conversation Analysis, Semiotic Analysis, Thick Description, Situational Analysis, Discourse Analysis, Observational Data Analyze. In the final section of the paper, a brief practical summary of the coding method in qualitative methods is presented.

Keywords: Qualitative Method, Analysis, Procedure, Model, Evaluation



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی